

بيك مشت امانى ملك بده كه حقوق مشروعه خود را
 ميخواهد ميگذارند. افسوس كه نه تاريخ دول خوانده
 ايد، و نه از ترقى مال خارجه خبرداريد و نه از ايقاظ
 مال معرفتي بسز داريد. اگر انديكى امان نظر بسوى
 آسيا و تاريخ ايران و احوالات احرار آذربايجان و
 ستار خان و باقر خان غيور ادازيدي خواهيدديد كه
 شرف اخلاف شما در مسائل مال جاب هما ايشانند
 و همال مفسدين شتران و ابن مامورين حكومت را
 بيگونه بلدين و طمن ياد مينمايند آنوقت خجالت
 ميكشيد كه اسم وحدت را با اين اهالي غيور مبار
 مگذريد هزاران جاي حيرت است چنانكه خود غافلبد
 عموم و انز در همان غفلات ميدانيد اگر بگوئيد از
 اهمال شتربايان نه من و نه شاه خبري نداريم اسناد
 انگراني كه در دست ملت است بخوبي اثبات مينمايد كه
 از حزن و كلي اهمال عاها سوه و رحيم خار و شجاع
 نظام يا ذات رؤف پادشاه است يا والا حضرت اشرف
 و ابن اهالي بخوبي ميدانند كه عاها سوه مامورين غير
 نظامي و رحيم خان و شجاع نظام و حضرت والا و
 سرهدار و خوانين ايلات و اقبال الساطنه مامورين
 نظامي از طرف شاه رؤف ميشانند و اين اهالي بموجب
 قانون يانغي نيست بلكه در نگهداري حقوق مشروعه
 خود از روي شرف و ناموس از جان و مال خود
 گذشته و ابدأ دست از مطاهاه آن بر نخواهند داشت
 نه رافت، لوگاه و حسن نيت حضرت والا صغراً و
 قبيراً بخون خريش آفته شوند و پراهن خون آلود خود
 را بر وجهش در برابر حضرت خنئي مرتبت مگذارند
 (ترك مال و ترك جان و ترك سر)
 (در طريق عشق اول منزل است)
 (عموم ملت تبرز)

جواب خطي است كه حجت الاسلام

مازندراني يكي از عترمين

{ مرقوم فرموده اند }

و اما مسئله مشروطه خواهي كه نوشتيد سبب فساد
 و افساد و اتلاف نفوس و اموال شده گويي عرض اين بوده كه
 خبرا نايد مشروطيت و امر بخوبي بلكه وجوب آرميكند
 اولاً از شما سؤل ميكنيم ما نوشتم اهل ايران و

شيعيان آنجا كه دولت را مشروطه نكند و ظلم استبداد
 را رهم زنيدي با استكه خلق ايران از ظلم ظمان و
 احكام و ولات تنگ آمدند از جان خود سير شدند
 يكدمه تمام مشروطه طلب شدند همه مراتب آنها از
 عبا و نجار و كسبه و زارعن باجمعهم نوشتند با از
 جميع ولايات و بگفتند بلكه مرادى المومنانه لقه حق از
 تبرز چه قدر طماوط و تلكرافات در مدح مشروطه
 و ذم استبداد آمد و ما هم تامل كرديم تا آن معنى
 مشروطه كه اصل ما گنجهيده، خود هم گفت اينست
 و انبأ بلكه معنى مشروطه اگر اين است كه احكام
 شرعيه و عمل بكايه شرعيه مشروط است به صلاح و
 صواب ايد چند مر از علماء مشرقت كه اكا صلاح
 ندانند مثلاً زكاه بايد داد و حج - يد رفت و هكذا
 لغت خدا رچنين مشروطه طواه و حامى چنين مشروطه
 خواه مقبول است. كه عاها چاين بگويند و اگر معنى
 مشروطه يعنى دولت و ساطنت و احكام دولتي و رفتار
 احكام و ولاد و احكام سياسي ايد مشروطه باشد
 همه يب عقلاء اهل حكمت كه وكلاء ملت هستند تا
 جلوگیری از ظلم آنها كنند و اندازه ظلم كم كرده شود
 يا آنكه احكام شرعيه سر جاي خود باشد بدون نقص
 و قور و مراد از حریت و آرادى از ظلم ولاد و
 احكام باشد اينمعى مشروطه را ككدام طالب دن دار
 ميگويد بد است مگر خبر باشد يا بيدن كه بخواهد ظلم
 كند و اگر عرمايد اين معنى مشروطه است لكن
 مردم آن را يعنى ديگر اخدم نمودند چنانچه جنهد شما
 تلكراف كرده بود مشروطه كلكه حق ياد بهالساطن
 يعنى حق و واقع و خوب است و اگر حمل بر معنى
 بد هودند جواب اين است

اولاً اصل بر بد نمودن همه ميدانند مشروطه يعنى
 چه و اين فساد شده آن چيز ديگر است كه خواهم
 عرض نمود

و انبأ سلما چنين است نصير ما چيست ما حق
 گفتيم بعضى حمل بر ماطل ككردند و اگر بفرمائيد
 مشروطيت بايعنى خوب بلكه هي از منكرى است
 و جب و لازم عقلا شرعا و لكن مستلزم اين معاسد
 است نبايد اقدام كرد

جواب - اولاً معلوم نيست در قتل نفوس و تلف

مال و متک عرض زیاده از دمان استبداد باشد نهایت این است آن دمان آحاد حکام و ولایات و اربابها با آحاد اشخاص میگردند و هیچ فریاد و دینا با ند نبود چه قدر حکام و شاهزادگان کشتند اشخاص را و مال آنها را ردم اگر فراموش گردیده حقیقت فراموش نکردم در این دمان سفله و رحاله میکنند وجه قدر در زمان استبداد برای ما نقل کردند از اربابها که هر کس در اهانت او عروسی داشتند باید شب اول عروسی را ببرد پیش آن ارباب سرقوم فرمودید ساوجبلاغ و تسلیم عنای کرده اند جناب حاجی اختلاف هشتر در سرحد یا اختلاف در دولت چه ربطی و دخلی مشروطه و غیر مشروطه دارد یا اینکه اصل این خبر دروغ است، مگر فراموش نمودید شیخ عبیدالله در چند سال قبل چه قدر نفوس در آنجاها تلف کرد و نایباً قبول کردم که فساد این زمان بیشتر و بدتر است لکن این نه جهت آن است معنی مشروطه را هم میدهند محل را معنی بد نمودند و نه بجهت این است که مشروطیت لازم دارد فساد را، سلطنت انگلیس مشروطه است و مسلمانان هند بیشتر از مملکت ایران هستند اهل مجلس آنها همه دهری و کافرند هیچ در هندوستان تمدنی میکنند مال کسی را جان و عرض کسی و یا مسلمانان آنها ترك عمل تکالیف شرعیه کرده و میکنند که ما مشروطه هستیم بلکه این معاسد در ایران چه محبة تحریکات اهل ظلم و استبداد است، میخواهند اشاعه این معاسد بکنند ما قلوب اهل ایمان را از مشروطیت سلطنت معصومین و برگرداندند بترتیب سابق و مقصد فاسد خودشان که ظلم و جور است رسد و بعضی دیگر ارباب عقاید فاسد و غیر مبالغین بر دین جون دولت در مقام جلوگیری سیاست نیست معاصد و عقاید فاسد خود را بروز میدهند، نه این است که بعضی از اهل مجلس و انجمن بانی و یا دهری هستند و ثالثاً قبول کردم که این معاسد لازم مشروطیت است، ولیکن میدانید شیعه در هر جا که هستند از اسلامبول و عراق عرب و قفقاز و هندوستان و غیرها اگر غیرتی و اسی و رسی دارند بجهت دولت عجم یعنی دولت ایران است که دولت شیعه است، اگر این دولت برود مملکت ایران دست دولت اجنبی بیفتد شیعه

دلیل تر از همه طوائف حتی از یهود خواهند شد، و میدانید چیزی از دولت ایران باقی نمانده و هفتاد و یا هشتاد کرور مقروض اجاب و هر ساله شش یا هفت کرور مداخله کثر از مصارف غیر از خدمت پول وجه قدر استبداد و واسطه و سلطنت رعایای دولت اجاب برداخله بود، قبل زمان میخواست که ایران از دست رود ما خیر خواه این دولت و استمرار این دولت هستیم بجهت نفاق، رسم تشیع و نفوذ کله شیعه اگر چند وقت مفاسدی نشود که موجب ادراک آن مصلحت عظیمه باشد جراباید تحمل نکرده، مطالب زیاد است تحریر نمیتوان تمام کرد کاش در اینجا بود با هم صحبت میکردیم

(حر الاحمر عبده ماردوان)

ولیکوا کثیراً

تبریز عبر سیم سواد اعظمهای اسلام بود دارای سیصد هزار نفوس مسلمان و هیچ شهری در تعصب دیات اسلامیه و جان نثاری در راه دین و مذهب اسلام مدرسه تبریز نپرسید، هفتاد هزار خانه وار بودند دو خانه وار در یک خانه نشستن و خانه کرایه نمودن و سکتی کردن در پیش آنها بشیبت زشت مینمود، طول شهر سه فرسخ و عرضش یک فرسخ است، ابنیه عالیه و باران بدیت منظم و حیوانات معبره بتبار و باغات و بستین بی اندازه داشت، و غالب خانه ها غیر از حیاط اندرونی و بیرونی و حیاط طویله دارای باغچه که درش از اندرون است بوده و کوچه های وسیع و سنگ فرش و خیابان مشجر و جریخ کارشهاشهر را روشن میکرد، تلفون با همه از هر محلی به محل کشیده و حاضر بود، مساجد و حوائش به حد و حصر نمی آمد بقعه های امام زاده های معتبره داشت، تفریح گاه های متعدده داشت، و مردانش متدین، ساده لوح و شعاع و سخنی الطبع خریب نواز، رقیب القلب، اولاد دوست، میان پرست، درست کار، خدا ترس، مؤدب، متمدن تربیت ملت ایران، دین و شریعت و علما را بغایت توقیر میکنند، و تا پای شرع در میان نیست با سلطان کمال موافقت را دارند، و در صورت مخالفت شرع بدو از فرزند بزاری میکنند، و بالعکس قایت همشان امتثال اوامر شرعی است، نامداری و فضل مال و دعوت منزل و اقران را به محافل مجله شام و نهار خلیل

دوست دارند و متمول ترین ایران اهل تبریز است که از کسب بد و صنایع و تجارت محصل عموماً اند و تا سه ماه قبل مرکز تجارت و صرافی ایران بود

بالجمله از تمام جهات شهر نمبر اول ایران و شهر نمبر سیم اسلام بود . . . ولی

لکل شی اذا مات نقصان * ولا یبیر طیب العیش الا ان هی الزمار کا شاهدتها دول * من سره من سائنه ارمان

این شهر بن لطافت و ابن خلق مدین نرات از روز قدوم پیشوم محمد علی میرزا مبتلا بیه خوف حوج و نقص اموال و افس و نمرات از زراعت و تجارت شده اند، عمارات و حوامع و مساجد عالیه از ضرب گلوله توپ و بمب با خاک یکسان شده، بازار و حیوانات و محارثها بسته و اعتبار مردم شکسته، اربابان کرور و ملیون از بی بضاعتی بعد از مرگ عیا سر کشیده در پس کوجه ها سوال میکنند تا مگر اقمه از میوه و سزیت از برای اولاد عزیز بالوان نعمتهای طاعت کرده خود تحصیل کنند، در طرف این سه سال یکرومی، یک مهبان، یک دعوتی، یک تفریحی، در این شهر اتفاق بیفتاده در تمام شهر یک بچه از مادر متولد نشده و آنچه بطمه در بطون امهات بوده از هول و هراس صدای توپ و تفک و بگیر و به بند سقط شده، و اطفال شیر خوار زمان مظفری از بی شیری که از خوف مادرها ناشی شده تماماً تلف شدند، زنهای ضعیف البنیه و ضعیف العلوب از شدت هراس و دهشت بی نامه جان سپردند، از یکطرف بلای چوچ که یکسال آن به پای حای ممکن بود و اطفال مصوم گرسنگی ندیده و رحمت قحط ننگیده و غذای نیست را خنده هو پا در یک گفتش از مادر دل مرده و تن افسرده نان میطلبند، مادر روی بدر بجزرت مانگردد و هر دو از حاجات اولاد عزیز خود عوس عرق اشک خونین از دیده می بارد، و به قولاب و سزیت و اوراق اشجار مشغول دلچسپی و دلنوازی هستند و از یکطرف دو فرزند جوان که داخل عسکر ملی هستند مدتی است که شب و روز در دفاع اشتغال دارند و اولاد صغار عروس شان در خانه منظر اند و خبری از آنها نیست که زنده اند یا مرده زخمی دارند یا سلامت اگر

مرده اند ایشان را کبها و در کجا دفن کردند و اگر زخمی دارند زخم ایشان را کبها مداوا میکنند و اگر سلامت اند مان و آب شان از کجاست

از یکطرف رحیم خان بیدین و شجاع نظام بدآیین و امثال آن مسواره و افواج خود مشغول تاراج خانه ها و هتک ناموسها و قتل مرد ها و از یکطرف هیاهوی با اقه یا رسول الله الامان الامار الامان مردم که گوش ملك را کر میکنند و از یکطرف انجمن اسلحه در تحت ربات مخترعین گرگ در لباس میش و دشمن در لباس خوش تقه شیخون به الواط و اش از جناب تعظیم میدهند ارباب و حدان را تعال ایت خلیل سعت است که دشمن از چهار طرف در این و مشغول دل هوس و هتک امراض و نهب اموال و اطفال در خانه ها از گرسنگی داد میکشند و مرص های حکیم بی دوی پارسار اتاده و روی عجز بر ستر ماهندی داده و مرده های خاکی ششاه روزها در پیش چشم اهل ماه محدود نه غمال مست و به کفن آردن، به حال است و به گور کن، مردمان عزیز و محترم که آب و توان اینهمه ابتلاآت ندارد به عله آریه دل کرده روایت مترجمان خله وار در یک حله ارفی گزیده و دو صد مایل اطفال در سایه شاهی خاموش و خزیده اند سبباً لحلم الله

در همین ممدن دو قصه جان سوز اتفاق افتاده که نتوان از آنها بی سار و فوعات تبریز بود یکی ر سواره های سبلا خور گوشواره باش ر گری می برد که بروشد خون از گوی شل کر از کرده و بدست زرگر میدهد زرگر می بندن گوشواره ها خون آلود است و دو حله اش هنوز بهم دوخته زرگر حدس میکند که این دو نشان دلیل است که با زور گوش را دریده ، گوشواره را خون آلود کشیده اند سوار را آید، و حال از او می پرسد که از کجا می آید و کجا می روید میگردد که مأمور تبریز بودم حد از زد و خورد به رئیس فهمیده بودند که دعوا ما تبریزی ها خلاف شرع است لذا برگشتم و از یفا این گوشواره هم مار سید زرگر را حات گریه میگردد و می گزید بره پیودی مردش همان این را نمیرسد

دیگر آنکه سرمازی از راه رسیده اسبابی که حمل
اولاغ کرده بود می برد بازار که بفروش برساند بعضی
اسباب فروخته و مد یک احوالی ریسان کشیده باز
میکنند که به خرج بدهد. از میان لحاف جنساره
طعل شهر خواوی پوسیده و گندیده در می آید.
فیالمور سرماز میگذرند و معلوم میکنند که این سرماز
ارتییز آمده و در غارت ممانت شده و آنچه بدست
آورده گرفته و به خود را به ولایت خود رسایده
که جا بجا کند، لاجول ولا قوه الا بالله

اولاد زید و هون زید از برای سورایدن جگرهای
عجیب آل محمد سلام به علیهم بعداً بدین وقاع جاگداز
ممانت آورده راهل بیت عصمت را تذکر و یاد آوری
مردد. هر روقه از وقایع تبریز اشتری ردل دوستان
اهل بیت ردید. لا ائنه الله علی القوم الطالمین و سیم القین
طلما ای منقاب یقانون

آذربایجان است که آذربایجان زده

(اهل السائل عنی - باب النعمة منی)

(گفت اسقی و اغنی - صرت اسقی و اغنی)

حظ آذربایجان زمان حال چنین گوید. که از اول
ظهور سلطنت مشومیه قاجاریه تا اول جلوس محمد علی میرزا
که بیست و یک سال و با ولیمهد عباس میرزا
نش سلطان عظام الشان سلطنت عمده و روزگار
گذرایده اند. این صوره را بیت الشرف کوب سلطنت
نامیده و ولایت عهد را در آب و هوی او تربیه
و نمک میدادند. و یکی این صوره را حرمانه خاصه
دولت. و دیگری حصن حصین سلطنت. و سومی
پیراهن و حود سلطان. و چهارم سرمایه افتخار ایران
می گفتند. و تواریخ شهادت میدهند که در وقت
سلاطین و حرکت وایمهد بطرف پایتخت از بدل مال
و جان بهیج وجه مضایقه نکرده و به مستمر سلطنت
میرسانیدند. و قراولان و مستحفظین ارك سلطنتی و
دوره پادشاهی همته از سرماز آذربایجان منور بود
برای که از ایشان در حق دولت قاجاریه بوی خیالی
عیرفت و دعوای ترك و فارس را در حرابان و
طهران و جاهای دیگر فقط توجه مخصوص سلاطین
احداث نمود. و تمام سلاطین عظام و صدور کرام تا سه
سال قبل متحد القول بر اینست بودند که سلطنت ایران

باید بتوجه مخصوص و مراسم خاصه خسروانه آذربایجان
را به پشتیبانی سلطنت مخصوص دارند. زیرا که اینان از
ساده لوحی و ثابت قدمی در نگهداری مقام سلطنت
جان هنر را بهیج نشاندند و فکور خود را بجز از
حفظ شاون دولت بهیج نگارند در سرحد دو دولت
بزرگ و عشا بر اکراد خود را حراست نموده و دائماً
افواج آذربایجان در تمام حدود ایران و سرمازخانه
های طهران ساحلو هستند ما اینکه حیره و مواجب
بایشان داده نمیشود فعلکی و حالی و مزیم شکی نموده
قوت لایوت خود را تحصیل کرده و به ضباط هم دستی
چیزی میدهند و خدمت دولت و مملکت میسکنند و
چنان دانند که خدا اینها را از برای این خدمت فقط
خلعت فرموده و از حریت و قابل محاروی ایشان را
بهره کرامت فرموده ککدام اردوئی در ایران تشکیل
شده که جزء اعظم او آذربایجان نبوده است. کدام
فائده از برای دولت رخ نموده که رفع آف بدست
آذربایجان صورت نگرفته. محاربه افغان و بوشهر و
قنده سالار و آشوب باب و مدافعه شیخ عبیدقه. محاربه
قازلی کولی با عثمانیا و محاربه قفقاره با روسها همه
ما اردو های آذربایجان بوده قشور (سواج) که ارتییز
در مرحله روی بطهران گذشت چگونه شد که در زنگان
جانی به عقد مصالحه روی رضا داده و تا رود رس به
قهبری برگشتند اینها همه از جان نثاری و پای فشاری
اولاد خسور آذربایجان شده که در راه خدمت دولت
اطهار نموده اند

حال با اینهمه جانشانیها بی اولاد آذربایجان
و توجه خاصه سلاطین ایران در حق ایشان از صاحبان
اصناف و ارباب وجدان ساج سوال میشود که بعد
از صد و بیست سال صداقت و خدمت بدولت قاجاریه
دامی این اختلاف که از اول جلوس محمد علی میرزا
بظهور رسیده چیست؟ آیا طبیعت روزگار بیک لحظه
وقات مظفر الدین شاهی خاصیه آب و هوای آذربایجان
را تغییر داده و در طرفه العین قلب طامبه نموده و
بدین واسطه تمام نفوس آذربایجان که چهار کرور
متجاوز اند از صداقت به خیانت رجوع نموده و از
خدمت به مخالفت پرداخته اند. و شاه پرستی را به خصومت
مبدل کرده اند یا اینکه این بیک شخص محمد علی میرزا
بمخلاف اسلاف خود از مسلك رأفت و مهرتانی و

رعیت داری و افکار مملکت داری و سیاست و تاجداری دور است. لابد صاحب ذوق سلیم و فکر مستقیم از برای تصحیح اعمال سببات بکافر معلوم الحال راضی به نخطه و تکذیب و تکفیر چهارگرو فرس معلومین الحاح نخواهد بود و سبب این اختلاف و آشوب را باباشان نخواهد داد و اقرب الاحتمالین را مرادات خواهد نمود و انگهی قرائن حال و قال بر عدم سلامت من این شخص واحد در خارج موجود است صورت تلگرافهایی که در تبریز همین روزها بعد از ضبط تلگرافخانه دست ملت افتاده و در اوراق متعدده با ناله های جانگداز ملی بطابع رسائیده و انتشار داده اند واقعه را خوب موشکافی میکند. و هنوز بعضی تاگرافات که از طهران آمده و در دست مأمورین است مسمع ملت رسیده از آن جمله تلگرافی است که در ۲۴ جمادی الاخر بامر رحیم خان به آقا سید ابوالحسن هشنگ سار مشروطه طاب حال - ار - عرمانه نشان داد. که سابقه محبت داشتند و گفته که من حال و حال و حال تو را کنات منکلم که آسبی برسد تو خود را رکاب نکش و در احراء مشروطه یاری و مددکاری مکن زیرا که حسب الامر تمام شهر تبریز خراب و اهالی عروماً بقتل خواهند رسید و اموال طلم سواره های دولتی خواهند شد و این تلگراف را ارائه نموده واقفانش کارگر شده صورت تلگراف قریباً از این قرار است جناب سردار حضرت خدمات شما و سواران شما منظور نظر ما گردیده و انشاء الله پیش از آنکه بحالتان برسد مراحم ملوکاه و الطاف خسرواه در حق شما مبذول خواهد شد. ما از تبریز و تبریزیان بکلی صرف نظر فرموده ایم در اقدامات خود دل و ابسی نداشته باشید و بدون ملاحظه باید تمام تبریز با حال یکسان بوده باشد هرگونه تصرفی در این ملک بکبد نادر صاحب ملک کرده باید مسئول احدی بستند (محمد علی شاه) ارباب وجدان ملاحظه رأیت و حقوق دانی شاه فرمایند که در مقابل صدوپست ساله خدمت و صداقت با اینکه مستطالراس و وطن او است چه مجراه را روا دیده و چه رفتار را بیندیده و نابدگفت (فان کنت سلطاناً خلفاً و اجل - و ان کنت قصاباً خلفاً لیسف و اقل) حیوان کنی شیوه انسان است و احسان

شیمه پادشاهان. از صفت باید بموصوف پی برد کسی که با مادر خود ... کند با همسایه جها خواهد کرد نگذار ایرانیان بخوابند و فرصت را غنیمت بشمارند در این گیر و دار فکر کار خود را بکنند و اهم تبریزیها را بجاقت و سفاقت ببرند. خوب است حراند خارجه را بخوانند که تبریزیها بنامداری. طالب شهرها به سنگ و حواری معروف آفاق گردیده اند هیچ بلای بر قومی دائمی نبوده عنقریب است که دستی در آید از غیب بسر و سینه با محرم فدار رود

یا فتحنالک فتحاً مبیناً

خدمت سدگان حضرت لعل آقای احلال للملک دام ائمه العالی و اولاده آقای حاجی مهدی آقا کوره کنای دامت شوکت العالی اولاً (توجه حضرت حجة عجل الله فرجه امشب که شب مولود مسعود حضرت حجة است عداه ما را با فتح و طهر مرحمت فرمودند الان الساعة نور حاه مدنی را با فضل حضرت ابوالفضل و آمدن بجامدین تصرف اردیم خداوند انشاء الله جمیع مطالب این فدوی هارا مثل فتح امروری مرحمت فرماید آمین یا رب العالمین (خادم مات سار)

مشروحه فوق را که بشارت آرادی و صلاحیه منصوریت آذربایجان را در بردارد. پس از شکست اردوی ماکو یگانه فدائی ظلم اسلامیات و معاهد صمیمی حریت (ستارخان سردار) دام نائیده رحم داده چون مندرجاتش بطور اختصار و قدری محتاج به تشریح است لذا به شرحی مبر ازیم

روز جمعه ۲۴ شهر جاری قریب سه هزار نفر سواره اکراد و سوار ماکو که قره سلان را عبوراً آتش زده و حبی از سردطان آغارا کته و اسیر گرفته بودند رو بشهر سار و دوطرف رودخانه آجری را بل زول اردو اختیار کردند. پس از آنکه از مصدر شر و فساد فرمان بورش صادر شد کافه سواران اهم از اکراد و سواره متغایر ماکو اسباب زری نژاد را بچولان آورده حده زنان مله کتاف حاده را که به سنگرمای محصوص سردار مانی میشد گرفته و نزم بورش چون مور و مایع محرکت در آمدند افسوس که اب ازبیم فرو بست و بطرف منصوره

بیشتر از قدمی برداشته (دست غیب آمد و بر سینه
 نامحرم زد)
 بد قدرت خداوند از آستین قهاریت بر آمده و
 کینتر اعمال آنها را در کنار نهاد بکمر تبه صدای توبه‌ای
 دشمن کوب رعد آوا که طغرای (نصر من الله و فتح
 قریب) ر صفحه قلوب صافیه احرار مینوشت بر کوه
 و دشت پیچیده لوزه بر ادم دشمنان حوت آشام
 انداخت، غاریان اسلام که سرداه کرمهت بر استخلاص
 وطن خود بر بسته اند هر يك از آنان چون شاهبازی
 که بشکار کنجشکی بال و پر میزند مهاجمین را با گلوله
 دل شکاف محاکم هلاک می انداختند سر میبردند، دل
 میشکافتند، از آن سوی که گلوله توبه متعاقب هم دیگر
 در میان لشکریان افتاده و ترکیده میشد وضع را بطوری
 منقلب ساخت که وزیران جنگ و فرمان دهان لشکر
 چون پیاده و سواره بهم آمیخته شاه و ارمات آن
 هر صه هولناک بود بمقاد (و الخدم لرب) چندان
 وحشت و دهشت آنان را فرا گرفت که مدخل و
 غرچ خود را فراموش کردند راکب و مرکب فرط
 اختیار رها کرده و مانند صرع زده‌گان دست و پا کم
 کرده و حیران و سرسبیمه زوایا می‌خزیدند ولی با این
 حال که لشکریان را سف نظام بهم برنده و هر يك نجات
 از آن کرداب اجل و هرقه بلا را وسیله می‌جستند باز
 از اثر فعالیت مجاهدین با هنرم و نجات می راکب بود که
 چون صورت دیوار بر زمین هلاکت نفس می بست .
 و می مرک بود که با عنان کسته وزین برگشته رو
 بصحرا میدوید بالجه بزن بکشی در کار بود که دیده
 روزگار در آن منظره عجیب متعیر و مهوت میباید
 مصداق (کم من قلة قلبه غلبت قلة كثرة) برای‌الین
 مشهود آمد، شجریان لشکر برخی از دم گلوله مجاهدین
 بدو زدگان گفته و بقیه السیف فراری با ضفاه و
 بی دست و پایان سپاه در پست و بلندها متواری
 گردیدند هر صه جنگ المره از سوار متفابره ماکو و
 اگراد خالی و جز گرد و غبار لشکریان که بنه و اسباب
 را گذاشته و راه فرار پین داشتند دیگر چیزیه
 مشاهده نمیشد . پس تمامی فور خانه و آذوقه و
 آلات و اسباب چادرواوطاق لشکریان را بنیبت گرفتند
 از شتران بار خانه و اسب و الاغ آنچه مقدور بود

بصرف آوردند با مظفریت فوق‌العاده و با بدرقه (و
 لقد نصرکم الله بدر و حنین و یوم خندق) به احاطه
 محصورین باغ امیر شتافته و بدفع آنان نیز برداختند
 آری فتح و نصرت که امروز قرین مجاهدین اسلام
 آمد .
 وشکست قاحتی که نصیب فرقه مندرده و فرعونیان
 گردیده و یرق استبداد را خوابانید جز توجه اولیاء
 دین و تأید حضرت ولی عصر (ع) دیگر مجبزی حل
 نمیتوان کرد
 با اینکه مجاهدین و تنگجیان که عدد آنها بالغ
 بر پست هزار بوده زیاده از سیصد نفر آنها
 مشغول محاربه نبودند باز در مقاومت استبدادیان
 چندان ثبات و رزیدند که تا کنون هر در حر بنامه‌های
 دول و تواریخ ملل مثل فرانس و ابطالی و سایر
 ملل عالم که در مطالبه حقوق با دولت مستبد خود
 جنگیده اند دیده و شنیده نشده
 در اینجا از ذکر خبریکه بهترین شواهد تاریخی و
 نتیجه افکار علماء حقه اسلام است مجبوریم که هم این
 اولیاء دولت بیدولت و شرع کیشان شریعت نشی و این
 جهلای ماسکه دار که خود را در سلک علماء مقتظم و
 اسلام را آلت اجراء مقاصد مشثومه خود ساخته و
 عصائی نموده‌اند که با آن تکیه میکنند و گویندگان خود را
 میرانند و همواره از وی (مأرب اخری) میطلبند مجال
 انکاری در آن بنامه دندان شکسته در کناج خواوموشی
 نشسته اشک حسرت در دامن فرو ریزد و خاک ندامت
 بر سر بیزند، و بدانند که بشهادت تاریخ عالم و دلایل
 فلسفی و احادیث و اخبار آدرابجانیان به منتهای آمال
 خود خواهند رسید پس بروزگار سپاه خود و اعقاب
 خود فکری نمایند
 و این چند روز استیلای موقی شاه که با استیلای
 صد روزه ناپلیون پس از مراجعت جزیره (الب)
 مطابقت تمام دارد عالم رجعت و فتح دائمی به بنامه
 و از خبسال نگذرانند که دیگر باره به گردن آوزو
 سوار شده بازگفت پشاه مساط جان و مال و عرض و
 ناموس مردم خواهندشد اکنون قارئین این نامه ماجیز
 را در توجه بر نکات منمرجه آن دعوت مینامیم، چه
 بخوبی از مضامین آن می توان استنباط نمود که ملت

آذربایجان پای مردمی فشرده و در مطالبه حقوق خود خود داری نخواهند کرد، و با کمال سعادت و شرف باخذ حقوق خود موفق خواهند شد اگر چه عدد محاربین که بقتل و قارت آنها مأمور میشوند بیشتر از ریک و حجر گردد

در مجلس سیزدهم محاررالایوار مجلسی در صفحه ۲۸۰ سطر بیست و دوم از کتاب الفیه استاد آن را بحضرت امام محمد باقر (ع) میرساند که آن حضرت فرمود گویا می بینم قومیرا در مشرق حق را مطالبه میکنند و ایشان داده میشود باز مطالبه میکنند باز داده نمیشود و قتیکه این را می بینند شمشیر هاسیبه خودشان را حایل میکنند آتوت سلطنت ایشان داده میشود ایشان آرا قبول میکنند تا وقتی که امر شان قوام هم رساند و ایشان هم آنرا نخواهند داد مگر صاحب شایقی حضرت حجة محل الله فرجه آگاه شود بدوستیکه هرگاه من آنزطان را در میداتم هر آیه نفس خود را برای صاحب این امر نگاه می داشتم، و نیز در کتب مذکور از همان حضرت روایت میکند که فرمود ما جاریم از بدین لشکر آذربایجان که هیچ چیز طاقت مقاومت و مقابله ایشانرا ندارد

خطابه از طرف انجمن سعادت اسلامبول

به امرا و سرکردگان و رؤسای ایلات و جنابان امراء عظام و سررندگان رؤسای ایلات و سرحد داران دامت شوکتهم از دو سال و پنج قبل که گفتگوی مشروطیت اداره عیسان آمده فتاوی علای اعلام را البته شنیده و خوانده اید که مؤید مجلس را مصاب و مخالف را کافر و غرق در عذاب گفته اند تا آن علامات دیایی که تاکنون سالمان ظاهر کرده اید این سکوت عمیق و جبروت را معنی و مفهوم چیست، سکوت که سهل است این نایل صوری نسبت به مخالفین را هیچ ماول منصفی نمیتواند طریق معقول ترجمه و تاول کند کتاب و سنت روح اسلامیت را برای هر مغز روشی و هر گوش سخن نیوش مکان سادگی نصیر کرده گوید مسلمان باید آزار نکند و آزار سیند مسلمان باید بدون استثناء آمر بمعروف و مامی از منکر باشد.

آیا شایسته شأن مسلمان غیور است که خویشان را از قید این گونه احکام منصوبه آسمانی آراد داشته

در کنار سیلاب خون رادوان خود نشسته تماشا کند؟ فرض کنیم که مسلمانان براسیبه شایع و جیبیه مادی تعیین نکرده مگر برای نیستید و وظیفه ملی ندارند

مبغواهم گستاخاه عرض کنیم که اسم شما بزرگتر از همت شما است اجانب همیشه قسوت دولت ایرانرا فقط در عظمت اقتدار شما میدانند و رشادت آنجنابان را سلگر و استحکام مملکت میدانند

افسوس هزار افسوس که شما هم شغل خود را مردم شهری و اصناف بازار محول کرده و خود از دور نگاه میکنید و گاهی هم محل خیالات مقدسه حضرات میشوید و سنگ مخالفت و دورنگی دم راه ایشان میضاپاید بیگانگان را کتان آن بود که سیاه ایران عننگ و اطفاسی شورش داخله اقدام میکنند زیرا که همگی همجنس و در اطاعت مذهب و امتداد رؤسای روحانی خود بشدت متمسکند در پنج هزار دریغ که پول بی پر چشم دیانت و حب همجنسی سواران قراچه داع و سراز سیلا حور را کور کرد و از طریق سواب مهجور ملتفت نشدند که این کشنگان رادوان ایشانند و خون سیاوش تا روزیکه قساس بشود از حوش و خروش بیفتند افراد سوار و سرناز خاصه این گروه جاهلانی از همه جا بجزر غالباً کمتر مورد مؤاخذه هستند اصل مؤاخذه و کل مساوات نکردن شما امراء عظام است که خدمات احدادی و نام نیک خود را تفویض جهالت چند تن اطرفیان شاه گردید حال آنکه از حکومت مطلقه اید شما بیش از همه متفکر باشید و ماجرای اسلاف را پیوسته از نظر عبرت دور ندارید حسبتلی خان محقاری را در اسفهان امیر کبیر را در کاشان جعفر آقای کرد را در تبریز خسرو شاه سوز را در اردبیل سهسالار را در خراسان و هزار ها سرداران امدار را همین حکومت حاضره است که بدون گناه و تقصیر بزه و شمشیر کشت و بجای آنها جفتدر کاشت، این همه داد و فریاد ما زحمت و جان کنده ما رای آست که حال حال عرض و ما، س می کرور خلق دست یکدمر جوان بی محرمه بدین عهد شکن نباشند، امرا و رؤسایه بایلی را که مایه هر گوه همت و قنصار ما هستند بدخوار خود محاکمه بکره قاروما محکوم شده نشند

مجازات نکند، و اگر نیک تدقیق شود منافع مشروطیت بیشتر راجع به بزرگان و سران قوم است شما از همه بیشتر و سختر باید در تأسیس آن و بر انداختن اداره مستبدانه کافر کشتی و کوشش داشته باشید

صاحبمنصبان عثمانی را مگر ندیدید چه همی کردند و چه خدمت شایانی باسلامیت و حماکت خود نمودند چه چیز شما از حضرات کبر است ایشان درین صفحات بگوجب زمین موروثی و تاریخی ندارند و تمام حرکات سیاسیشان در تحت ترسد دول معظمه و پیوسته در زیر شکنجه امارات صغیره متجاوزده است، با هم این ظلم را بوطن خواهی و مشروطه طلبی رؤسای لشکر خویش مهربوت و متعیر نمودند

ولی وطن ما از روزگار (مه آبادیان) مال و میراث تاریخی ما است و ناظر اعمال مان منحصر بروس و انگلیس میباشد، که تا ده سال هیچ وجه با مورد داخله ما متعهدند مداخله نکند، پس شما دلیران ایران سزاوار ترید بمقاله با مخالفین قیام کنید ملک و میراث تاریخی نیاکان خود را محافظ فرمائید، چرا ماقت نیستید چرا باسر (لیاکوف) روسی طرف برادران و برادر زادگان خویش را میریزید، چرا بحرف پادشاه قاصب که چهار مرتبه سوگند بقرآن کریم را شکسته و چهار صد مرتبه کافر و مرتد شده اطاعت میکنید، مگر میدانید سلطنت ایران را با پیشخدمتی روس مداوضه کرده و تمام دستور العملها را از پترسبرگ میطلبید مگر فایده که اگر خدای نخواستہ حال استبداد را کاملاً برگرداند هم شما را بیک سروکیسه کرده اندوخته های اجپادای را برنج و شکنجه بگیرد و ده سه را بیک دیزی محتاج کند، کسیکه هم و پدر زن خود را برای تصرف متروکاتش بکشد، کسیکه مانند مشیرالدوله وزیر سلیم القسی را زهر خوراند،

کسیکه بخلاف هر دین و مذهب حق بخلاف آئین بت پرستان استخوانهای فریقه پیغمبر را پس از دو سال و بی در آورده بسوزاند، و گوشتهای بدن ملک المتکلمین اصفهانی را در حضورش شرحه شرحه کرده پیش سگ اندازد

بدی است! شما نجیبان و نجابت رفتار نخواهد کرد، اگر ردایه طبع و فساد اخلاقی را

درست نمیدانید از تجربزی ما بیسید تا بدانید که این سحکوت و یا تمایل شما بشخص او و اداره مطلقه چه وقعه های هولناک و چه عذاب های دردناک در پس پرده وزیر سر دارد، مدت مهلت دو دولت همسایه را غنیمت دانید.

حرمت کلاه ایرانی را که مقدس ترین سرپوش ملی است بجای آرید.

رؤسای مجتبیاری و قشقایی خوانین کلهر و پشتکوه سرکردگان شاهسون که هزار بار سوگند بمظاهرت مجلس و مشروطه یاد گردید چرا نمی جنید

جناب اقبال السلطنه ماکونی چرا بتضمرع و استنفاة هموطنان و از کون تحت خود توجه و اقبال میفرمائید همت و حمیت شما کج رفت، شادت و شهامت شما چه شد، ای سواران کردستان و همشهریان همکیش ما چرا برادران خود را دستگیری میکنید آخر ما بازاریان عاجز و اصناف پیدست و با را دست طبیعت به نیجه قوی و بازوی توانای شما سپرده چرا حق پاسبانی و سمت رعایت را بجای نمی آورید

اسر بکاتی ما برای ما فقرا آرد و گندم اطه میدهند جوانان عثمانی باردوی ستار خان سرزب و سرهنگ میفرستند تمام مردم روی زمین از زن و مرد بحال ما متأثر و بشهدای طهران و تبریز از دیده و دل خون گریه میکنند جنابانمالی را ابدآ تک هم نمیگذرد گویا معنی زندگی را فقط درین حیات متعبدانه یافته اید که پست تر از زندگی هر حیوان چشم است حیات حضرت امام حسین (ع) و کلمات آن بزرگوار را در سر زنی زندگی به سنگ و ستایش مردن خام متذکر شوید حرکات مردانه هلاکو خان، شاه اسمعیل صفوی، نادر شاه افشار، کریم خان زند، را بیاد آورید جان سپاری های ستار خان و باقر خان تبریزی را ملاحظه فرمائید بدوان بیچیک ازین بزرگان و نوادر روزگار پادشاه و تاجدار نبوده و از پستان مهد علیا ولم الخاقان شیر نکیده اند با همه این کاری کردند که دفتر تاریخ دهر تا بروز حشر از قدیس اسماه عظام ایشان خسته نشود و مصان بن نلک از توصیف حامد و مآثران بهادران دین دار مانده نگردد برای وصول بتمام ایشان برای آنکه شما هم جزو رجال تاریخی دنیا شوید برای آنکه شما هم از صحاب سید احرار بشمار آید و

هنگام زیارت طائورا خواندن و نمانی در حربه در
 رکاب هابوش نمودن راست گفته باشد برای آنکه
 مانند سر شهید و دیگر شهدای طهرانی و تبریز
 از حامیان و یاری کنندگان اسلام محسوب شوید
 چیزی که باقی دارید همانا نیم ساعت فکر است و یک
 همت، بنشینید و اندکی بنشینید، بر خیزید و دست از
 آستین همت در آورید، کافه‌های اعلام حفظ بیضه
 اسلام را از قوت شامتوقند، ارواح امیاه و ائمه هدی
 یاری دین خدا و یاری خالق مظلوم را ز دیانت شما
 ملتغرنند، زبان بیوه، کودکان بی پرستار گشته، جنم
 خصاص و وسایع ضیعت شما دوخته اند، خدا شما را
 آزاد خالق کرده و علاوه بقوت بازو و امتیازات چند
 نماز فرموده، دست‌های دلت و عبودیت روی هم
 مگذارید، برای هوش آمد بکنفر مرند فطری، سعادت
 ادبی می کروور ستمدیده را مبدل به نکبت سرمدی
 نخواهید، زرگی خود را محو و ملیت ط را منقرض
 مینمایید، آخر شما ایرانی و مسلمان هستید، ای ایرانیان
 نامدار، ای مسلمانان دیندار، چه نشسته اید، مخالفین بی همه
 چیز همه چیز شما را باطل کردند، مهارت بلاد را خراب
 و راه‌ها را تا امن نمودند، باحر و تجارت را معطل
 و متضرر ساختند، در تبریز بازارها و حجرات را
 بنها و اموال مسلمین را غارت کردند، بجهام زنازه ریختند
 خدمت بعزتی بذیل عصمت خواهران شما دراز نمودند
 در شیراز پسر پندمیر و طلم متبعر را که موسوم
 شهید رابع شد کشتند، و جسد شریفش را بجماه
 انداختند، در طهران وقعه جنگیز را تجدید کردند، نه
 غلط گفتم جنگیز بت برست مسجد و معبد مسلمانان را
 خوب به بست، مستبدین بدتر از بت برست خانه خدا
 و مجلس دارالتوری را بضرر توپ و خپاره خراب
 کردند، قرآن‌های نجایف و امضا شده را با قانون
 اساسی سوختند، خطباء و واعظین را کشتند، به دار
 آویختند، و بقانون ایام جاهلیت جسد مبارکشوارا مقله
 نمودند، جراید و دقار معرفت را بستند، زبان ملت را
 بریدند و مردم را از همدیگر بنجر گذاشتند، اطارت
 مؤمنین و دارالخلافه اسلام را بروس‌ها واگذاشتند
 علمای اعلام و نواب امام را توهین، و وکلای درست
 کار را تحقیر کردند، به غل و زنجیر شقاوت بستند،
 آه آه آن دایکه از شنیدن این مصائب از جای مجلبد
 دل نیست سنگ است، آن بشریکه از استماع این فجایع
 حناز و از موزه اشک رقت بگورته زرد نیارد بشر نیست
 سچانور است، اما چه سود، گریه و زاری کار زنان است
 لایه و پستری نیره کودکان، مرد خردمند باید صاحب

هنرم و خداوند حزم باشد حله شیر کند و ترب
 دیوانه مخورود هفت خود و شرف ملت را مدافعه نماید
 و یقین کند که هیچ نیک و بدی در دنیا پوشیده و
 پنهان نخواهد ماند داد هیچ ستمدیده از ستمکار
 اغراض و انکار نخواهد شد، گفته اند و می بینیم دیده
 اند و خواهیم دید که هر شبی را روزی در پی است
 و هر روز هم انگیزی را بر روزی دنبال، تا کارها
 علامت میرفت مردم از دانه فشانی و تخم کاری دست
 بر عیبه اشتند، حالا که نهال آزادی را با خون حلقوم
 بوحوانان و احرار امت آبیاری کردند دیگر محال
 است دست از طلب بدارند، سوگند با خدای دست بر
 نخواهند داشت تا نکردن آرزو سوار شود، و مجلس
 را با همان قانون مقدس قدم برانماید، پس بهتر آنکه
 مهتران قوم و سرکردگان ایران هم فکر فردای خود
 را زوده در گفات این بیان نامه که با کمال پفرضی از
 تلم یکتان ایرانی طامی نگارش رفته بدقت و اصناف نظر
 کنند و چشم از طرز گستاخانه آن بیوشند که نزرگان
 گفته اند، صاحب‌دلان را همیشه نظر بقوت قول است نه
 بشخصیت قائل

(ضمیمه)

گروه مستبدین برای تسکین هیجان عامه و
 التیای شبه در حضرت علمای اعلام پس از تهیه اسباب
 شقاوت خود و اجرای مقاصد ملعونه موروثی در
 اوراق منتشره و تلگرافات رسمی اشتهار دادند، غرض
 اصلی شان تهیه با بیان است و باین خیال خام خواستند
 حرکات نامردانه خوبستن را لباس شریعت بپوشانند
 و از در دین بروری و دین‌پناهی وارد شدند، اگر
 چه در تمام دنیا و کل دیوانهای ایران يك فرهم منز
 و هم فهم پیدا نکردند که این فریب را بخورد، ولی
 عرض آنکه غلطه کاری ایشان بچوب نماید به آوازی
 که همه طلم را بر کند میگوید ای مستبدین بیدین اعضای
 مجلس مردم انجمن‌ها و جمیع خلق ایران از بزرگ
 و کوچک، همه عدالتخواه و مشروطه طلب میباشند، دین
 شان اسلام و طریقت شان همان طریقت مستقبلی است
 که زحمات انبیا و اولیا پس از قرون متوالیه تدارک نموده،
 بارشاد حضرت جعفر صادق (ع) و شهادت قرآن منزل
 بنوسط حاملان شریعت یعنی حجج اسلام دامت برکاتهم
 دارا شده‌اند، و آشکارا با پشانی باز میان تمامت خلق
 اقتضاز میکنند و بافتراکننده، و دروغ گوین و قریبن
 مینمایند، از یکصد و پست نفر اعضای مجلس تخمیناً
 هفتاد نفر از علماء بودند، و علاوه قنای جدید حجج
 اسلام طبقات که لغاً و نجماً بحضور مطالعه کتدگان این

بیان نامه ارسال میشود دربارهٔ مرهم مجلس و وجوب معاولت مجلسیان و سرحاح کفر مخالفین از هر دلیل و برهانی روشن تر ادعای مستبدین را جرح و ابطال مینماید. حضرات خواستند تفتن کثافت کاری حاسیه خود را چوشانند بگناهی بزرگتر مرتکب شدند. و آن بهتان و افتزای به ملت است. چه گناهی عظیم تر ازین که ملت ایران را با آن فرط تدبیر و نصیحتی که دارد بچنین افتزای بزرگ متهم کنند. اگر در جنس ایرانی همت نفس و غیرت مردی هست از هو و ضیاع تمام حقوقش هم بالفرض هرگاه صرف نظر کند. از انتقام همین يك اهانت جانگداز چشم پوشی نخواهد کرد. تا دو محضر جماسبان یا کی دامن دیانت و استقامت فکر خود را در طلب مشروطیت اداره ثابت نموده دشمن باد پیاپی هوا پرست را با آتش غضب همی دوچار و خاک مذلت بر سر نا مبارکش به بیزد (علی اسفهان)

تکرانات راجعه به بالکان

در (اسکویشینا) دیروز تا ساعت پنج مجلس شورای سری. و مجدد امروز هم. منعقد گردید اعضا همه ساکت اند ولی خیال می کنند که مباحثه سختی شده. این مجلس بعد از نطق وزیر خارجه منعقد شده چنانچه عقیده جنگ غیر ممکن است بجهت این که در قورخاه باووت نیست چه هر قدر باووت رسیده در حدود (آستریا) ضبط شده است

امروز در (ستجی) دارالاماره جیل اسود مجلسی عظیم بحریک دولت انگلیس منعقد شده. مدعوین تا آرایش تمام بسمت همارت مقرر نشانیهای دولت انگلیس و (مونی نگر) بلند نموده (پرنس نیکولس) ضمن نطق خود اظهار داشت که جهت حفظ حقوق (سرویا هیچ نوع کوتاهی نخواهد کرد

تلفگرافی از (بلگرید) رسیده که شورای (اسکویشینا) دائی قائم نکرده ولی مظلون است اختتام ایام مصیبت و سختی شده باشد

مجلس وزرای انگلستان امروز منعقد شد. در (دویچک استریت) از پامس انتظام زیاد شده بود. رساه بیان شد از گفتگوهای (سر ادورد گری و اسوالسکی) ظاهر میدارند که واقعه (بالکان) بمصالحت انجام خواهد یافت

مجلس (اسکویشینا) ۱۶ ملیون فرانک جهت مخارج جنگ منظور نمود

(ستر اسکویت) در شورای ملی و (لارد

فتز تاريس) در مجلس اعیان بر واقعات (بالکان) نطق داده و یاد آوری از نطق سابق خود نموده و اظهار داشته که برای انعقاد کنفرانس تاکنون گفتگو میشود و ابد مصالحت است. بر افراض هر يك از مدعیان نظر خواهد شد و امیدواریم که همه باضبط و استقلال کار خواهند نمود

مظلون است که (سر ادورد گری) با (مسبو اسوالسکی) متفق در لزوم کنفرانس شده اند ممکن است علاوه بر مسائل (بلغاریا) بر امور دیگر هم مباحثه شود

وقایع نگار روزنامه (مانی) باریس از (سوفیا) راپورت میکند که (بلغاریا) را اراده اینست که مسئله آزادی وی در کنفرانس دولتی اتصال نه یابد و میخواهد به دولت عثمانی استعفا کند که او را آزادی دهد. در صورتیکه تا ۳ روز حکم بر استعفا وی حسب خاطر خواه نشد. جنگ نباید

مجلس سری شورای ملی (مونی نگر) اراده دارد که حکومت هر قدر آذوقه و علوه جنگ نخواهد داده شود

سفرای (آلمان و ایتالیا) مثل سفرای انگلیس و فرانسه. و روس. رسانه به باجمالی نوشته اند که دولتین هیچ وجه ترمیم عهدنامه (برلن) را قبول نخواهد کرد بدون ترضیه امضا کنندگان عهدنامه مزبور (آستریا) خود را منفرد گذارده است

غالب دول اروپا را عقیده این است که اینوقت بهتر میباشد که دولت عثمانی را بکفالت قرض داده شود (سر ادورد گری) با این رأی متفق است. برنی را عقیده اینست که (آستریا) و (بلغار) آنچه پیشرفت نموده امری است گذشته الآن باید قانون اجرا شود و برای آینده باید تدبیر نمود. بعضی را هم خیال اینست که (سر ادورد گری) بر استقلال (کریت و سرویا) نظر نموده مباحثه بر حقوق هر دو نمودن را در مجلس کنفرانس منظور خواهد نمود. و بر مخالفت آتیه زور میدهد

مجلس شورای (مونی نگر) در جواب مجلس شورای (سرویا) اظهار داشته که وقت آن رسیده که (مونی نگر) و (سرویا) متحد شده دفاع کنند

تلفگراف (رینک) از (سوفیا) رسیده که سفیر آلمان (بلداریا) را آگاه ساخته تا وقتیکه او راه آهن (رومیلیا) را واگذار نکند یا روزانه (۱۵۰۰۰) فرانک خساره نموده بر مسئله آزادی

(بلغار) تحت خواهد شد

§ (مسیو اسوالسکی) هر روز تا دیر باز با پادشاه انگلستان گفتگو میکند - این امر طی ایاتنه که مسئله (دردنیلز) علیحده بین دوآئین ترکی و روس بمعاونت دولت انگلیس و فرانسه اتصال خواهد یافت - حساره چیزی به (سرویا) هم داده خواهد شد تا حفظ مملکت خود را بتواند نمود و این قضیه شامل کیسیون (دنیوب) خواهد شد

§ وقایع نگار روزنامه (مان) منطجه (پاریس) از رئیس الوزرای (بلغار) شنیده است عقیده وی را که اگر مارا لارم آبد آزادی حاصل کنم ما خوف اینای ملت حاصل تواند شد

§ انگلیس - فرانسه - روس متفق اند بر اینکه دستورالعمل در مجلس کافرنس ترتیب داده شود جهت تبدیل فصول عهدنامه (بران) و عوض آن فصول دیگر بجای آن گذارده شود درباره الحاق (بوسینیا) و (هرزیگووینیا) و (کریت) و آزادی (بلغار) جناب انتظام شود که به دولت عثمانی در خصوص (رومیلیا) و (کریت) قصای باید نشود و مواامات (موی نگر) هم رفع گردد - و حقوق سواحل دریای (دنیوب) توسعه یابد - و بلك اعلامی جاری شود که بموجب آن پوستخانجات خارجه در آنکه همان موقوف گردد در سورتیکه قوانین مشروطه قائم شود - و مسئله آثای (داردلینز) دولتین عثمانی و روس با هم تصفیه خواهند نمود در خصوص آمد و رفت چهار جنگی روس و دول دیگر که با دولت روس در جنگ باشند - اعلان رسمی اداریه خارجه ایقان می بخشد امور مذکوره را و مکرر می نویسد که (سرادوردگری) و (مسیو اسوالسکی) بر مناقشات (بالکن) بحث خواهند کرد که بسبب معاهده انگلیس و روس بوقوع رسیده - و در امور آسیای وسطی هم تدارک در نگامداری قوام ایجاد نموده اند

§ باستانی به دول اروپا اعلام نموده که (بلغار) معقول انتظام قشون است - و اگر بهمین منوال حرکت کند دولت عثمانی هم مجبور است رای دفاع تدارک یابد - و اگر حاکم پیش آید دولت عثمانی ذمه دار است

§ (مسیو اسوالسکی) پاریس رفت چند ووری در آنجا قبل از آنکه به (بران) برود نوبت خواهد کرد اکثر جرائد از اتفاق رأی (سرادوردگری) و (مسیو اسوالسکی) تمجید می یابند و میگویند این یکی از نتایج معاهده انگلیس و روس است - روزنامه (طلسم) در خصوص کافرنس چنین می نویسد که

این امری است مسرت انگیز که ما با دولت جدید روس درباره حفظ حقوق دولت جدید عثمانی انتظام می یابیم - خبر انتظام جنگ از (صوفیا) توام با خط باستانی رسیده نکالت بر دماوی (سرویا) و (کریت) مباحثه در کافرنس را نمی پسندد - خیال آنها آنست که بهتر است کافرنس بشود

§ (امپراطور آستریا) دبروز در (بوداپست) ماسفر آلمان ملاقات نمود و سفیر مذکور خطی از جانب امپراطور آلمان تقدیم داشت که در جواب خط (امپراطور آستریا) نوشته شده بود در خصوص مسئله الحاق (بوسینا و هرزی گودنا)

§ در (ویا) مشهور است که امپراطور آلمان مستند امداد بولتیکی آستریا است و اگر لازم شود امداد قشون هم میباید ، یا شاه (بونان) وارد بران گردید و با امپراطور آلمان ملاقات کرد

§ قیمت سندات استقراضی از این خبر که دولت (آستریا) به مالدی ایقان نموده که جنگ نخواهد شد و ازین رو اجتماع افواج عثمانی موقوف گردیده قدری ترقی نموده

امپراطور (آستریا) را در خصوص (بوسینیا و هرزیگو ویا) از جانب پادشاه انگلستان رسانید

§ دولت (ایتالیا) با دستور العمل کنفرانس دول متفق و معنون است که مسئله الحاق (کریت) را با (بونان) خارج از موضوع بحث کافرنس میداند

§ حکومت (بلغار) به دولت (بریتانیا) ایقان داده که با دولت عثمانی محاربه نخواهد نمود

§ دو نفر از اجتماع هیئت اتحادیه جوانان ترک در (صوفیا) می دارند مسئله متنازعه را تصفیه نمایند خاصه درباره حراج (رومیلیا) که (بلغار) در آنجا میبخواهد مخاربه بین دولتین (آستریا و عثمانی) هم جاری است و شك نیست در صورت انعقاد کافرنس بین الدولی فقط آن مسائل را تصدیق خواهند نمود که پیش از وقت اتصال قرار و مدار آن شده باشد

تکرافات روتر راجع بایران

(۲۷ رمضان - ۲۳ اکتوبر)

§ تلگرافی از پترزبرگ بتندن رسیده که رئیس مشروطین تبریز (گویا حضرت ستار خان باشد) قوسل روس را اعلان داده است که در هیچ لباس ورود قزاقی را به تبریز اجازه نخواهد داد

حیل لنین

§ ازین تلگراف معلوم می شود که باز قوسل روس با هم محافظه قوسلخانه یا باستانی دیگر رسا یا من غیر رسم

حبل اللین

چشم مروحین شریعت خیراء بنی مقدسین دیانت
شمار آقا سید کاظم زدی و شیخ فضل الله قوری، و
حاجی میرزا حسن تبریزی روشن باد، مفاد اذا فسد العالم
فسد العالم همینها واقع شده اند، بصاحب شریعت مطهره
صلوات الله علیه سوگند یاد می نمایم که جزوهای بناحق
ریخته شده را علماء سوء ذمه دارند، عیاش هزار نفر
نفس اسلامیه که درین واقعات اخیره کشته شده بانکار
منبلمانه آقا سید کاظم زدی (که از دماغ کسی خونم
بیرون بیامده) دوباره زنده نخواهند شد، خدایا تو
میدانی که اگر آقا سید کاظم علم مخالفت و طجاج با
حضرات آیات الله را بلند نه نموده بود، وعلناً این جوان
زندیق مرتد را بدرمهریان نخواهد و حرکات کافران او را
در خط احیاء دین مرده ظاهر نمیداشت و او را پشت گرم
باینگونه همراهیهای نمود و حرکت اینگونه حرکات
فداریه میکرد و به قدرت حاصل می نمود

بنده امروز خود را مکلف شرعی میدانم که تمام
برادران دینی خود باواز بلند رسانم که بقا و رجوع
به تقلید آقا سید کاظم زدی با این حرکات علنی و
شفاهی وی شرعاً ازین و بعد جائز نیست، اگر ابریکارنده
قبول نمیکند از حضرت آیات الله و علمایکه امروزه
بحسنه زهد و تقوی و مرجع تقلید طامه اند مانند آقا میرزا
محمد تقی در (سامره) و آقای صدر در (کربلا)
و آقای حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل و آقای
آخوند ملا محمد کاظم خراسانی - و آقای آقا شیخ عبدالله
مازندرانی در (نجف) اشرف سوال نمایند تا حقیقت
امر و صدق مقال ما بر آنها ظاهر گردد
(۲۹ رمضان - ۲۵ اکتور)

عذر روتر از بزرگ اطلاع میدهد که دولت
روس رسماً تکذیب می نماید ورود قشون روسیه را
در سرحد ایران

حبل اللین

این خبر را هم گویا درباریان محض مرعوب ساختن
اعالی آذربایجان انتشار داده اند، ولی اگر از هم
ایرانیان بخویش نیابند و اتفاق نه نیابند و ما به هیچ
و هیچ که شخص محمد علی میرزاست از میان دفع
نه دهند امروزه فردا طبعاً و مجبوراً همین بساط روی کار
خواهد آمد، باین تکرار تکذیب پلنیک و موقی روس
نیتوان قناعت نموده آسوده خوابید چه این جوان
مصروع علناً تابع روس بلکه بنده برده و متعربک ناراده
اوست، بارها نوشته از هم می نویسیم تا این جوان طاعت
تاج و تخت ابراف شناخته شود نه داری مشروطیت
سلطنت خواهیم بود، و مطمئناً باستقلال سلطنت

استمد وارد نمودن قزاق در تبریز بوده و تبریزیان
غیور ازین خیال واقف شده علناً جلوگیری از وی
نموده اند، از تکرارات ذیل معلوم می شود که دولتیان این
دستور العملها که بقواصل روس داده خواسته اند اعالی
تبریز را مرعوب دارند تا شرایط دولت را منظور کنند
عذر روتر از طهران خبر میدهد بواسطه شکستی
که قشون شاه در تبریز یافته مجدداً دولت چهار رؤیایان
قشون بحجاب تبریز روانه می نماید

(۲۸ رمضان - ۲۴ اکتور)

عذر روتر از طهران خبر میدهد که مجدداً شاه
عین الدوله را بسررداری قشون جدیدیکه به آذربایجان
فرستاده می شود برقرار نموده و او را امر مصالحت
با مشروطیین تبریز داده که حق القدر از جنگ
احتراز نماید

حبل اللین

این نکته دال است بر غلبه تامه مشروطیین تبریز و
تا دیروز حکم قتل عام تبریزیان و هدم این شهر شهر
صادر نموده بودند، فرستادن قشون به تبریز برای نام
و خود نای است که دولت از خیال قلع و قمع
مشروطیین باز نیامده است، و الا درین سرمایه
زمستان قشون نمیتواند دور تبریز قیام نماید، رفت ملوکانه
بتر از راه اضطرار است و هم از طریق خنده و مکر،
ورنه اگر مقصود مصالحت است تشکیل اردوی جدید
لازم نیست، قبول کردن شرایط حقه تبریزیان غیور قلع
و قمع جمیع این فائلات را می نمود، دولتیان از یکطرف
میخواهند نزد خارجه رأفت ملوکانه اظهار دارند و از
طرف دیگر هذری برای قرار این اردوی جدید هم
که هنوز به تبریز نرسیده قبل از وقت تراشیده باشند، این
معنی که مأمور بجنگ از اول نبوده اند، از همه بالاتر
میخواهند باین سخنان تو خالی ملت غیور با دانش
آذربایجان را از تدارک در مقابل این اردوی جدید
افضال نیابند، و حال آنکه این خیال است و محال
است و جنون، ملت ایران خاصه اعالی آذربایجان
رأفت ملوکانه را دیده و ایضاً مواعید و ایام و عهد و
ازین جوان خلیل مشاهده کرده و میدانند که تا او
به اریکه سلطنت متمکن است نه ابراف مشروطه
خواهد شد و نه ایرانیان را امید ملی و جانی حاصل
خواهد گردید

عذر روتر از اسلامبول خبر میدهد که بر حسب
خبری که اینجا رسیده قشون روس از (رودارس) عبور
نموده داخل آذربایجان شده است و چنان تصور می شود
که آنها را اراده این است که تبریز را قبضه نمایند و

چهل المئین کلکته
دیپل کالج استریت نمبر ۴

Habitu Matin Office
4, Medical College St
CALCUTTA.

وکلا ذمه دار ابونجات مشترکین اند
(بدل ابوت الخبار پیشکی گرفته میشود)

قیمت اشتراک

سالانه - شش ماهه

هند و برمه

۱۲ روپیه - ۷ روپیه

ایران و افغانستان

۲۰ قران - ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ عییدی - ۳ عییدی

اروپا و چین

۳ فرانک - ۱۶ فرانک

روس و ترکستان

۱۰ منات - ۶ منات

نامه ممدیه

المبتدیان

سنه ۱۳۱۱

(مراسلات خصوصی بدون امضای معروف)

(اداره درج نمیشود)

کلیه امور اداره با

مدیر کل مؤید الاسلام است

هر دوشنبه طبع

شنبه توزیع میشود

هر دو شنبه

۷ شوال ۱۳۲۶ هجری

مصادف با

۷ نوامبر ۱۹۰۸ میلادی

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملای بحث میشود
(مقالات عام المنفعه منبول و در انتشارش اداره آزادست)

شاه و شاه پرستان

در این مقال روی سخن با علای ن عمل و عالم نایب علم است و این لایحه فقط برای حماکة مخالفین املاهای شاه پرست پول دوست است ، که مغلوب هواجس فسانی شده ، سعی اند که با سخفانه متبلهها و دستهای ابن ابلفریانه جشنان مسلمانانرا گرفته ، حقوق مشروعه نمود ملیون ملت شیعه را فدای چند هزار تومان رشوة یک جوان مصروع زندقه ظالم سفاک اسلام فروش بماند ، که هزاران اشتم بر این فراض فسانی و خیالات شیطانی باد ، چه در سایه همین افراض منحوسه صد ما ملیون طهاره بر مسلمانان وارد آمد ، و بالغ بر صد هزار نفوس مقدسه اسلامی قتل رسید ، و آفادیهای بسیار ویران ، و شهرهای آباد برباد رفت ، اجانب را بر ممالک اسلامی استیلا داد ، و توهمین از نوع علما کرد ، یک دیوانه بی پدر را پدر مهربان خواند ، و عمی این مرده اسلام جلوه داده به پست ملیون قوس اسلامیه انبلا بخشید ، که مالشان منسوب ، عرضشان مهنوک ، ترفشان برباد گردد

ما کار باین نداریم که علای بزرگ و رؤسای مذهب جعفری که مرجع تقلید طایفه شیعیانند وجوب مشروطیت سلطنت را در ایران مجمل داشته اند

ما در این امر سخن نبراج که جمیع عقلای عالم متفق الکلمه مسلم داشته اند که سلطنت مستبده عمی باید ما ناکوتم که هرذی تمیزی تصدیق می نماید که گرد آوردن دویست عقل مسئول در یک مرکز برای حال ملک و ملت رجحان دارد بپردن جمیع کارهای یک مملکت بر عمل یک جوان بی علم لا املی بی تجربه غیرمسئول

ما ازین دو سخن نبرانم که مشروطیت سلطنت هیچ ربطی بعبده مذهب و دیانت ملت ندارد و غیر از شیعیان ابرر که تخمین پست ملیون است بجهت ملیور از نیصاف در سایر ممالک تحت مشروطیت سلطنت دیگران قرار گرفته ، و حال آنکه احدی مدعی آن نشده که از قوانین مشروطیت خالی بر عباد و دیانت مذهبی آنها واقع گردیده است

ما باین هم کار نداریم که بیخبر خانم و عقل کل در امور ملک و ملت باصده گرام مشوره میفرمود ما از این هم میگذریم که ص کلام الهی مأمور که در اصلاح امور معاش خودمان مشوره باین صدها احادیث معتبره از رسول خدا و ائمه طاهرین در تحسین و تعجید مشوره وارد شده است فقط میخواهم بدین استبداد پرستان شاه دوست

ما در ذیل این لایحه می نویسیم ، خواهش داریم بیان فرمائید که کدام يك از اصول و اصول آن منافی با شریعت مطهره ، یا مخالف با قوانین دین مبین اسلام است ، ولی فقط بر آیه جنبه‌ای با لایحه آن وجود شریف قناعت شواجم صکرت ، از جنبه‌ای خواهش داریم که هر اصلی از اصول آن که مخالف با شریعت است مدلوله ظاهر نماید ، و همچو تصور فرمائید که جز حساساتی دیگری نباید احکام شرع را فهمد ، و اما این آنچه باید فهمند فهمیده‌اند ، فقط فرض ما رفع شبهه از عوام است که بچاره‌ها گول ضعیفی عملی و تقدس ظاهری خورده‌اند ، اگر میفرمائید من نمی‌فهمم چرا دطل در مقولات می‌دهید ؟ چرا خون مسلمانان را باح ساخته اید ؟ چرا مال و عرض مسلمان را مهتوک و مهوب می‌سازید ؟ امروز زماه منتفی آن است که مردم بگویند هم ، واقعه همه فهمیده و باز هم خواهد فهمید حتی چند فرعون هم که باقی مانده تا شش ماه دیگر خواهند فهمید

از همه این مراتب صرف نظر نمودیم در نجف اشرف که مجمع فضلا و علما و مجتهدین و سرکر زهد و قوی و قدس است ، و رؤسای مذهب جعفری و حضرات آیات الله که مرجع تقلید عموم شیعه می باشند مانند حضرات آیات الله آقای حاجی و آقای آخوند و آقای مازندرانی مشرف و سکوت برد چگونه تصور شود که هیئت علمیه قصد جان جناب عالی را کرده اند ؟ بطور تصدیق بآنم که با بودن رؤسای اسلام در آنجا آن موالیان از قصد هیئت علمیه واقف نگردیدند ؟ و اگر تصدیق ما ذکر را بآنم و حجج اسلامیه را درین وقعه عالم و اکت دایم بود با الله صله و نیک دیگر ظاهر خواهد کرد چه سکوت حجج اسلامیه در چنین موقع قطعاً اثبات استحقاق را خواهد نمود

فلا ما کار باین موضوع دادیم ما بیکه تم حالا دیگر برده پونی باید کرده باشباه کاری باید کارها بگذرد ، يك مات نزوک يك ماسکت وسیع بلکه ود ملیت قوس يك مذهب مقدس نباید دستخوش خیالات چند نفر شده معدوم گردنده یکی در لباس شرع در آید ، دیگری بیرق دار حرف شود یکی مزاج مملکت را چنین مقتضی داد دیگری صلاح دیانت را چنین ندارد ، امیرها ره لیاکوف ، شایمال ، شیخ فضل الله ، حاجی میرزا حسن ، شجاع نظام و رحیم خان چه فرق خواهند داشت با يك فر رئیس روحانی نافذ الکلمه که حرکات کافراه و افعال سبانه آنها را امضا دارد ، و احیاء دین مرده اسلام را بحرکات آنها جلوه دهد ، آیا در اعمال

آنها شریک نخواهد بود ؟ آیا فرق بین آنها در نوعیت تصور خواهد شد ؟

ای ملت ایران ، ای ارباب دیانت اسلامیه ، بدانید و آگاه باشید که چند نفر انگشت شمار با هم شرع و حرف دست یکی شده جشایب شما را گرفته که حقوقان را ضایع کنند و کلاهتان را بر بانه حقوق شما صدها ملیون خساره دیده و بالغ رسد هزار هوس زکمه قرمان نموده اید در محصل این حقوق حالا میخواهند بزبان بندی و تیرج سازی حقوق شما را ضایع نموده تصرف درین فونین مکنه نمایند ، دیواییان چون صموع الکلمه نمی باشند و زر و وال آن را بگردن منتشرین ظاهری حمل نموده اینست که قانون اساسی را ذیلاً می نویسیم و برای اتمام حجت میگوئیم هر يك از مخالفین تقدیم نموده بهر اصلی از اصول آن ایرادی دارند قلم شد نموده تا ما با هم و رسم و بدون کلاه تحریف در حبلالاین درج و از طرف خود هم کشف حقیقت بنام این نهضت نیز پوشیده باشد که تربیت این قوانین بمشوره بالغ برسی نفر مجتهدین مسام و هفتاد ، ما سیاست و دیانت يك مملکت شده و بیس نظر حضرت آیات الله هم رسیده است ، حالا يك حوار مصرع که بدوا خود مدعی بود که تا حجج ناله تصدیق نه نمایند از امضا نخواهد کرد و پس از تصدیق حجج مجبور با امضا شد حالا میخواهد این قوانین را کنار گذارده محفل فاسد خود قوانین تزیب دهد نام اینکه موافق با مزاج مملکت و مشروع باشد مشروع ما ز هائیم ما هم با او همراه شده اند که حقوق نایب شما را باهال نمایند

ای ایرانیان حقوق را در وقت جمع این خونهای که از شما ریخته شد ، کلیه خساراتیک بر شما وارد آمده تمام این انقلابیکه در پیش است بقی بر نفس برخی ز موا همین قانون بوده است ، حالا دو رسکلم ریخته اید اول اینکه مشروطه را مخالف با شریعت و دیانت جلوه داده این قانون را یکدنه باطل و مجلس را یکباره موقوف دارد ، دیگر آنکه در صورت ناچاری قانون کیفیت مشوره شیخ ضل الله و لیاکوف و امیر بهادر و انانهم مرتب داشته هائ قوانین خود ساز را دار مدار مفاسد فاسده خویش جلوه دهند و تمام پشت گرمی آنها بجناب آقا سید کاظم یزدی بوده هست که قوانین مرتبه خود راه تصدیق او رسانیده با رسانند و يك مرتبه خاک سپاه بر فرق نام ایران و اربابان بپاشند

فرمان شاه مرحوم مظفرالدین شاه

گیر المارقه برهانه

(مورخه ۱۴ جادی الثانیه سنة ۱۳۲۴)

جناب اشرف صدر اعظم - از آنجائیکه حضرت باری تعالی حل شأنة سر رشته ترقی و سعادت مملکت محرومة ایران را بکف کفایت ما سپرده و شخص هایون ما را حافظ حقوق قاطبة اهالی ایران و رعایای صدیق خودمان قرار داده، لهذا در این موقع که رأی هایون ملوکاة ما بدان تعلق گرفته برای رفاهیت و آسودگی قاطبة اهالی ایران و تشیید و تأیید مبسای دولت اصلاحات مقنضیه امروز در دوایر دولتی و مملکتی بمواقع احرا گذارده شود، چنان مصمم شدیم که مجلسی از منتخبین شاهزاده گان و علماء و قاجاره و اعیان و اشراف و ملاکین و نجار و اصناف با انتخاب طبقات مرفومه در دارالخلافه طهران تشکیل و تنظیم شود، که در موارد لازمه در مهم امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مذاقعه لازمه عمل آورد، و به هیئت وزرای ما در اصلاحات که برای سعادت و خوش بختی ایران خواهد شد اطاعت و کمک لازمه را نماید، و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خودشان و در خیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات مهمه قاطبة اهالی مملکت توسط شخص اول دولت بمرض رسانند که بصحة مبارکه موشح و هوقع اجرا گذارده شود، بدیهی است که بموجب این دستخط مبارک نظامنامه و ترتیبات این مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آن را مرتب و مهیا خواهیم نمود، که بپوشانده تعالی این مجلس افتتاح و اصلاحات لازمه شروع شود.

و نیز مقرر فرمائیم که سواد دستخط مبارک را اعلان و اعلام نماید تا قاطبة اهالی از بیانات حسنه ما که تماماً راجع ترقی دولت و ملت ایران است کامبینی مطلع و مره الحال مشغول دعا گوی باشند، در قصر صاحبقرانیه تاریخ ۱۴ شهر جادی الاخری در سال یازدهم سلطنت

قانون اساسی

نظامنامه دارالشورای ملی

(بسم الله الرحمن الرحيم)

آنکه مطابق فرمان سعادت بنیان هایونی مورخه

۱۴ جادالاکری ۱۳۲۴ از براسی رقی و سعادت ملک و ملت و تشیید مبسای دولت و اجرای قوانین شرع حضرت خلقی مرتبت علی قه علیه و آله و سلم امر بتأسیس شورای ملی فرمودیم، و نظر بدان اصل اصیل که هر یک از افراد اهالی مملکت در تصویب و نظارت امور عموم ملی قدر مراتبهم بحق و سپهمنند تشخیص و تعیین اعضای مجلس را باغیب ملت محول داشتیم، اینک که مجلس شورایی ملی بر طبق نیات مقدسه ما افتتاح شده است اصول و مواد نظامنامه اساسی شورای ملی را که مشتمل بوظایف و تکالیف مجلس مزبور و حدود روابط آن نسبت بدارت دولت است از قرار اصول ذیل مقرر میفرمائیم

در تشکیل مجلس

اصل اول

مجلس شورای ملی بموجب فرمان سعادت بنیان مورخه چهاردهم جادی الاخره (۱۳۲۴) مؤسس و مقرر است

(اصل دوم)

مجلس شورای ملی نماینده قاطبة اهالی مملکت ایران است که در امور معاشی و سیاسی وطن خود مشارکت دارد

(اصل سوم)

مجلس شورای ملی مرکب است از اعضای که در طهران و ایالات انتخاب میشوند و محل اعداد آن در طهران است

(اصل چهارم)

عده انتخاب شوندگان بموجب انتخاب نامه سعادت از برای طهران و ایالات فعلا یکصد و شصت، دو نفر معین شده است، و بر حسب ضرورت عده مزبوره زیاد تواند یافت الی دویست نفر

(اصل پنجم)

منتخبین از برای دو سال تمام انتخاب می شوند و ابتداء این مدت از روزی است که منتخبین ولایات تماماً در طهران حاضر خواهند شد، پس از آن مدت دو سال باید بماندگان مجدداً انتخاب شوند، و مردم مختارند هر یک از منتخبین سابق را که نخواهند و از آنها راضی باشند دوباره انتخاب کنند

(اصل سی ام)

مجلس شورای ملی حق دارد مستقیماً هر وقت لازم بداند عریضه بتوسط هیئتی که مرکب از رئیس و شش نفر از اعضاء که طبقات شش گانه انتخاب کنند عرض پیشگاه مقدس ملوکانه برساند وقت شرفیابی را توسط وزیر دربار از حضور مبارک استبدان نمود

(اصل سی و یکم)

وزراء حق دارند در اجلاسات شورای ملی حاضر شده و در جانی که برایشان مقرر است نشسته مذاکرات مجلس را بشنوند و اگر لازم دانستند از رئیس مجلس اجازه نطق خواسته توضیحات لازمه را رای مذاکره و مداقه امور بدهند

در اظهار مطالب بمجلس شورای ملی

(اصل سی و دوم)

هر کس از افراد ماس میتواند عرض حال یا ابرادات یا شکایات خود را کتباً بدفترخانه عرائض مجلس عرضه بدارد. اگر مطلب واضح بخود مجلس باشد جواب کافی باو خواهد داد. و چنان که مطلب واضح یکی از وزارت خاماست مدافع وزارتخانه خواهد فرستاد که رسیدگی باید و جواب مکی بدهند

(اصل سی و سیم)

فوازین حدیده که محل حاجت شود در وزارتخانه های مسئول اشاء و تنقیح یافته بتوسط وزیر مسئول یا از طرف صدر اعظم بمجلس شورای ملی اظهار خواهد شد. و پس از تصویب مجلس بصحة هابوی موشع گشته بموقع اجری گذاشته میشود

(اصل سی و چهارم)

رئیس مجلس میتواند بر حسب لزوم شخصاً یا بخواهش ده نفر از اعضاء مجلس با وزیر اجلاسی عرمانه بدون حضور روزنامه نویس و تماشایی یا انجمن عرمانه مرکب از عدد منتخبین از اعضاء مجلس تشکیل بدهد که سار اعضاء مجلس حق حضور در آن داشته باشند لکن نتیجه مذاکرات انجمن عرمانه وفق مجری تواند شد که در مجلس با حضور سه ربع از منصفین مطرح مذاکره شده با اکثریت آراء قبول شود اگر مطالب در مذاکرات انجمن عرمانه قبول نشد در مجلس عنوان نخواهد شد و مسکوت طه خواهد ماند

(اصل سی و پنجم)

اگر مجلس عرمانه بتقاضای رئیس مجلس بوده است حق دارد هر مقدار از مذاکرات را که صلاح بداند باطلاع عموم برساند. لکن اگر مجلس عرمانه بتقاضای وزیر بوده است افتشای مذاکرات موقوف باجاره آن وزیر است

(اصل سی و ششم)

هر یک از وزراء میتواند مطالبی را که بمجلس اظهار کرده در هر درجه از مباحثه که باشد استرداد کنند مگر اینکه اظهار ایشان بتقاضای مجلس بوده باشد در اینصورت استرداد مطالب موقوف به موافقت مجلس است

(اصل سی و هفتم)

هرگاه لایحه و زیری در مجلس موقع قبول نیافت منضم بملاحظات مجلس عودت داده میشود. و وزیر مسؤول پس از رد یا قبول ابرادات مجلس میتواند لایحه مزبوره را در تالی بمجلس اظهار بدارد

(اصل سی و هشتم)

اعضای مجلس شورای ملی باید رد یا قبول مطالب را صریح و واضح اظهار بدارند و احدی حق ندارد ایشان را تحریص یا تهدید در دادن رأی خود نماید اظهار رد و قبول اعضاء مجلس باید بقسمی باشد که روزنامه نویس و تماشایی هم بتوانند ادراک کنند. یعنی باید آن اظهار بعلامات ظاهری باشد از قبیل اوراق کبود و سفید و امثال آن

عنوان مطالب از طرف مجلس

(اصل سی و نهم)

هر وقت مطالبی از طرف یکی از اعضای مجلس عنوان شود فقط وقتی مطرح مذاکره خواهد شد که اقلاً یازده نفر از اعضاء مجلس مذاکره آن مطلب را تصویب نمایند در این صورت آن عنوان کتباً بر رئیس مجلس تقدیم میشود رئیس مجلس حق دارد که آن لایحه را بدو در انجمن تحقیق مطرح مذاکره قرار بدهد

(اصل چهلم)

در موقع مذاکره و مداقه لایحه مذکوره در اصل سی و نهم چه در مجلس چه در انجمن تحقیق اگر لایحه مسئله مزبور واضح یکی از وزراء مسئول

(اصل چهل و هشتم)

پس از انعقاد سنا تمام امور باید بتصویب هر دو مجلس باشد اگر آن امور در سنا یا از طرف هیئت وزراء عنوان شده باشد باید اول در مجلس سنا تفسیح و تصحیح شده با اکثریت آراء قبول و بعد بتصویب مجلس شورای ملی رسد ، ولی موریکه در مجلس شورای ملی عنوان میشود برعکس از این مجلس مجلس سنا خواهد رفت مگر امور راجعه ماله که مخصوص مجلس شورای ملی خواهد بود و قرار داد امور مذکوره با اطلاع مجلس سنا خواهد رسید که مجلس مزبور ملاحظاتی را بمجلس ملی اظهار نماید و لیکن مجلس ملی مختار است ملاحظاتی را بمجلس سنا را بعد از مذاقه لازمه قبول یا رد نماید

(اصل چهل و نهم)

مادام که مجلس سنا منعقد نشده فقط امور بعد از تصویب مجلس شورای ملی بصحة هاپون موشع و بموقع احراء گذارده خواهد شد

(اصل چهل و هشتم)

هرگاه مطلبی که از طرف وزیری پس از تفسیح و تصحیح در مجلس سنا بمجلس شورای ملی رجوع میشود قبول نیساید در صورت اهمیت مجلس ناتی مرکب از اعضای مجلس سنا و مجلس شورای ملی بحکم انتخاب اعضای دو مجلس و بالنسبه تشکیل یاتنه در ماده متنازع بها رسیده میکند ، نتیجه رأی این مجلس را در شورای ملی قرائت کند اگر مواهت دست داد فیهما و الا شرح مطالب را بعرض حضور ملوکاه میرساند ، هرگاه رأی مجلس شورای ملی را تصدیق فرمودند بحری میشود و اگر تصدیق فرمودند امر تجدید مذاکره و مذاقه خواهد فرمود و اگر باز اتفاق آراء حاصل نشد و مجلس سنا با اکثریت دو ثلث آراء افضال مجلس شورای ملی را تصویب نموده و هیئت وزراء هم جداگانه افضال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند فرمان هاپون با افضال مجلس شورای ملی صادر میشود و اعلا حضرت هاپون در همان فرمان حکم تجدید انتخاب می فرمایند و مردم حق خواهند داشت منتخبین سابق را مجدداً انتخاب کنند

باشد مجلس باید بوزیر مسئول اطلاع داده که اگر بشود شخصاً و الا معاون او بمجلس حاضر شده مذاکرات در حضور وزیر یا معاون او بشود سواد لایحه و منصهات آزا باید قبل از وقت از ده روز الی یکماه باستثناء مطالب فوری از رای وزیر مسئول فرستاده باشند ، همچنان روز مذاکره باید قبل از وقت معلوم باشد پس از مذاقه مطلب با حضور وزیر مسئول در صورت تصویب مجلس با اکثریت آراء رسماً لایحه نگاشته بوزیر مسئول داده خواهد شد که اقدامات مقتضیه را معمول دارد

(اصل چهل و یکم)

هرگاه وزیر مسئول در مطلب معلون از طرف مجلس بمصالحق همراه نقد باید معادیر خود را توجیه و مجلس را متقاعد کند

(اصل چهل و دویم)

در هر امری که مجلس شورای ملی از وزیر مسئولی توضیح بخواهد آن وزیر ناگزیر از جوابت و این جواب نباید بدون عذر موجه و بیرون از اندازه اقتضا بعهده تأخیر بقتد مگر مطالب عمره که مستور بودن آن در مدت معین صلاح دولت و ملت باشد ولی بعد از اقتضاء مدت معین وزیر مسئول مکلف است که همان مطلب را در مجلس ابراز نماید

در شرایط تشکیل مجلس سنا

(اصل چهل و سوم)

مجلس دیگری بعنوان (سنا) مرکب از نصت نفر اعضا تشکیل می باید که اجلاسات آن بعد از تشکیل مداون اجلاسات مجلس شورای ملی خواهد بود

(اصل چهل و چهارم)

نظامنامه های مجلس سنا باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد

(اصل چهل و پنجم)

اعضای این مجلس از اشخاص خیر و بصیر و متدین محترم مملکت منتخب میشود سی نفر از طرف قریب الشرف اها حضرت هاپون استقرار می باید ، پانزده نفر از اهالی طهران پانزده نفر از اهالی ولایات و سی نفر از طرف ملت پانزده نفر با انتخاب اهالی طهران و پانزده نفر با انتخاب اهالی ولایات

(اصل چهل و ۳)

منتخبین جدید طهران باید فاصله یکماه و منتخبین ولایات فاصله سه ماه حاضر شوند و چون منتخبین دار الخلافه حاضر شدند مجلس افتتاح و مشغول کار خواهد شد لکن در ماده متنازع فیها گفتگو نمیکند تا منتخبین ولایات برسند هرگاه مجلس جدید پس از حضور تمام اعضا با اکثریت نام همان رأی سابق را امضا کرد ذات اقدس هابوس آن رأی شورای ملی را تصویب فرموده امر با اجرا می فرماید

(اصل پنجاهم)

در هر دوره انتخابیه که عبارت از دو سال است يك نوبت بیشتر امر جدید منتخبین نخواهد شد

(اصل پنجاه و یکم)

مقرر آنکه سلاطین اعیان و اخلاف ما حفظ این حدود و حصول را که برای تشدید مبانی دولت و تأکید اساس سلطنت و تکمیل دستگاه مملکت و آسایش ملت برقرار و مجری فرمودیم وظیفه سلطنت خود داشته در عهد شناسند - فی شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۲۵

دستخط آفتاب فقط

هو الله تعالی

این قوانین اساسی مجلس شورای ملی و مجلس سنا که حاوی پنجاه و یک اصل است صحیح است

فی چهاردهم شهری دهم ۱۳۲۵

عجل همه مبارکه هابوس روحنا فداء

قانون اساسی

(بسم الله الرحمن الرحيم)

اصولیکه برای تکمیل قوانین اساسیه مشروطیت دولت علیه ایران بر قانون اساسی که در تاریخ چهاردهم شهر ذی القعدة الحرام (۱۳۲۵) بصورت سرحدوم مضمور شاهنشاه سعید مظفرالدین شاه قاجار بر راقه مصححه موشح شده اضافه میشود از قرار ذیل است

کلیات

اصل اول - مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه حقه جعفریه اثنی عشریه است . ابد پادشاه ایران دارای مروج این مذهب باشد

اصل دوم - مجلس مقدس شورای ملی که بموجب

و تأیید حضرت امام عصر عجل الله فرجه و مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلد الله سلطانه و مراقبت حجاج اسلامیه کثرا الله امثالهم و عامه ملت ایران تأسیس شده است باید در هیچ عصری از اعمار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام صلی الله علیه و آله و سلم نداشته باشد

و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه بر عهده علمای اعلام ادم الله برکاته و خودم بوده و هست ، لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعمار هیئتی که کتر از پنج نفر نباشد از عهده فقهای متدین که مطلع از مقتضیات زمان باشند باین طریق که علمای اعلام و حجاج اسلام مرجع تقلید شیعه اساسی بسمت غیر از علما که دارای صفات مذکوره باشند معرفی بمجلس شورای ملی نمایند ، پنج نفر از آنها را یا بیشتر عنعنای عصر اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا بحکم قرعه تعیین نموده بسمت عضویت بشناسند ، تا موادیکه در مجلس عنوان میشود بدقت مذاکره و غور رسمی نموده هر يك از آن مواد مطلوبه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیئت علما در این باب مطاع و تابع خواهد بود ، و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجت عصر عجل الله فرجه تغییر پذیر نخواهد بود

اصل سیم - حدود مملکت ایران و ایالات و ولایات و بلوکات آن تغییر پذیر نیست مگر بموجب قانون

اصل چهارم - پای تخت ایران طهران است

اصل پنجم - الوان رسمی بیرق ایران سبز و سفید و سرخ و علامت شیر و خورشید است

اصل ششم - جان و مال اتباع خارجه مقیمین خاک ایران مأمون و محفوظ است مگر در موادیکه قوانین مملکتی استثناء میکند

اصل هفتم - اساس مشروطیت جزه و کلا تعطیل بردار نیست

حقوق ملت ایران

اصل هشتم - اهالی مملکت ایران در مقابل قانون

دولت مساوی الحقوق خواهند بود

اصل نهم - افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض مستند و متعرض احدی نمیتوان شد مگر بحکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین می نماید

اصل دهم - غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تصصیرات عمده هیچکس را نمیتوان فوراً دستگیر نمود، مگر بحکم کتبی رئیس محکمه عدلیه بر طبق قانون در آن صورت نیز باید کتبه منصر موراً یا منتهی در ظرف بیست و چهار ساعت باو اعلام و اشعار شود

اصل یازدهم - هیچکس را نمیتوان از محکمه که باید درباره او حکم کند ملصرف کرده مجبوراً بمحکمه دیگر رجوع دهند

اصل دوازدهم - حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمیشود مگر بموجب قانون

اصل سیزدهم - منزل و خانه هرکس در حفظ و اطمینان است، در هیچ مسکنی قهراً نمیتوان داخل شد مگر بحکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده

اصل چهاردهم - هیچیک از ایرانیان را نمیتوان ضعیف یا منع از اقامت در محلی یا مجبور باقامت محل معینی نمود، مگر در مواردیکه قانون تصریح میکند

اصل پانزدهم - هیچ مایکی را از تصرف صاحب ملک نمیتوان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تادیه قیمت عادلانه است

اصل شانزدهم - ضبط املاک و اموال مردم بنسوان عمارات و سیاست ممنوع است مگر بحکم قانون

اصل هفدهم - سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال منصرفه ایشان بغير عنوان که باشد ممنوع است مگر بحکم قانون

اصل هیجدهم - تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنکه شرعاً ممنوع باشد

اصل بیستم - تاسیس مدارس بمخارج دولتی و ملکی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالی و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد

اصل بیستم - طایفه مطبوعات غیر از کتب ضلال مواد مضره بدین معین آزاد و مجزی در آنها ممنوع است، ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات میشود، اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند

اصل بیست و یکم - اجتماعها و اجتماعاتیکه مورد فتنه دینی و دیوی و محل نظم نباشند در تمام ممالک آزاد است، ولی مجتمعات با خود اسامحه باید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر میکنند باید متابعت نمایند، احتیاطات در شوارع و میداها همی هم باید تابع قوانین نظمیه باشند

اصل بیست و دوم - مراسلات پستی کلیه محروم و از ضبط و کشف مصون است، مگر در مواردیکه قانون استثنا میکند

اصل بیست و سوم - افتخار یا توقیف محاربات تلگرافی بدون اجازه صاحب ممنوع است مگر در مواردیکه قانون معین میکند

اصل بیست و چهارم - اتباع خارجه میتوانند قبول تبعیت ایرانی را بجایند، قبول و نقای آنها بر تبعیت و خلغ آنها از تبعیت بموجب قانون حدنگاه است

اصل بیست و پنجم - تعرض به مأمورین دیوانی در تصصیرات راحه بمشاغل آنها محتاج تحصیل اجازه نیست مگر در حق وزرا که رعایت قوانین مخصوصه در این باب باید بشود

قوای مملکت

اصل بیست و ششم - قوای مملکت ناشی از ملت است طریقه استعمال آن قوا را قانون اساسی معین مینماید

اصل بیست و هفتم - قوای مملکت بجهت شعبه تجزیه میشود :-

اول - قوه مقننه که مخصوص است بوضع و تهنید قوانین، و این قوه ناشی میشود از اعلی حضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و سنا، و هر یک از این سه منشأ حق انشاء قانون را دارد، ولی استقرار آن موقوف است بعدم مخالفت با موازین شرعی و تصویب مجلسین

قاجار ادام الله سلطنة و اعصاب ایشان نلا بعد نسل
برقرار خواهد بود

اصل سی و هفتم - ولایت عهد در صورت تعدد
اولاد به پسر آخبر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل و
شاهزاده باشد میرسد ، و در صورتیکه برای پادشاه
اولاد ذکور نباشد اکبر خاندان سلطنت با رعایت الاقرب
قلاقریب برتبه ولایت عهد مائل میشود و هرگاه در
صورت مبروخه فوق اولاد دکوری برای پادشاه
بوجود آید حقاً ولایت عهد باو خواهد رسید

اصل سی و هشتم - در موقع انتقال سلطنت
ولیمهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت را منصدی
شود که سن او بهیجده سال بالغ باشد چنانچه باین سن
رسیده باشد با تصویب هیئت مجتمعه مجلس شورای ملی
و مجلس سنا نایب السلطنه برای او انتخاب خواهد شد
تا بهیجده سالگی را بالغ شود

اصل سی و نهم - هدیه پادشاهی بر نخت سلطنت
می تواند حلوس کند مگر اینکه قبل از تاجگذاری
در مجلس شورای ملی حاضر شود با حضور اعضاء
مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هیئت وزراء بقرار
ذیل قسم یاد نماید

« من خداوند قادر متعال را گواه گرفته بکلام الله
بجید و با سچم نزد خدا محترم است قسم یاد میکنم که
تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده
حدود محاکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس
دارم ، قانون اساسی مشروطیت ایران را نگهبان و
برطبق آن و قوانین مقرر سلطنت مایم و در ترویج
مذهب حقیری آتی عشری می و کوشش نمایم و در
تمام اعمال و افعال خداوند هنر شاه را حاضر و ناظر
دانسته ، بطوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت
بران نداشته باشم و از خداوند مستعان در خدمت
بترقی ایران توفیق میطلبم و از ارواح طیبه اولیای
اسلام استمداد میکنم .

اصل چهلم - همین طور شخصی حکه به نیابت
سلطنت منتخب میشود نمی تواند منصدی این امر شود
مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده بمانند

اصل چهلم و یکم - در موقع رحلت پادشاه
مجلس شورای ملی و مجلس سنا لزوماً ملحق خواهد

و توشیح نسخه هاوس ، انکی وضع و تصویب توفیق
راحه مدخل و طرح مکت از مختصات مجلس شورای
ملی است

دویم - قوه قضائیه و حکمیه که عبارت است از
تمیز حقوق و این قوه مخصوص است بمحاکم شرعیه
در شرعیات و بمحکم عدلیه در عرفیات

سوم - قوه اجرائیه که مخصوص پادشاه است یعنی
قوانین و احکام بتوسط وزراء و مأمورین دولت بنام
نای اعلی حضرت مایوز اجرا می شود ترقیبی که قانون
معین می کند

اصل بیست و هشتم - قوای ثلثه مزبوره همیشه
از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود

اصل بیست و نهم - منافع مخصوصه هر ایالت و
ولایت و بلوک تصویب انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب
قوانین مخصوصه آن مرتب و تسویه میشود

حقوق اعضای مجلس

اصل سی ام - وکلای مجلس شورای ملی و مجلس
سنا از طرف تمام مات وکالت دارند نه فقط از طرف
طبقات مردم یا ایالات و ولایات و بلوکاتیکه آنها را
انتخاب نموده اند

اصل سی و یکم - يك نفر میتواند در زمان
واحد عضویت هر دو مجلس را دارا باشد

اصل سی و دویم - چنانچه یکی از وکلا در ادارات
دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل
میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف
استغفایه و شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت
خواهد بود

اصل سی و سیم - هر يك از مجلسین حق تحقیق
و تمحص در هر امری از امور مملکتی دارند

اصل سی و چهارم - مذاکرات مجلس سنا در
مدت انفصال مجلس شورای ملی بی نتیجه است

حقوق سلطنت ایران

اصل سی و پنجم - سلطنت و ریحه ایست حکه
(موهبت الهی) از طرف ملت بشخص پادشاه
مفوض شده

اصل سی و ششم - سلطنت مشروطه ایران در
شخص اعلی حضرت شاهنشاهی السلطان محمد علی شاه

شد و انعقاد مجلسین زیاده از ده روز بعد از فوت پادشاه نباید بتعویق بیفتد

اصل چهل و دوم - هرگاه دوره وکالت وکلای هر دو یا یکی از مجلسین در زمان حیات پادشاه منقضی شده باشد و وکلای جدید در موقع رحلت پادشاه هنوز معین نشده باشند وکلای سابق حاضر و مجلسین منقذ میشوند

اصل چهل و سیم - شخص پادشاه نمیتواند بدون تصویب و رضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا مقصدی امور مملکت دیگری شود

اصل چهل و چهارم - شخص پادشاه از مسئولیت مبری است وزراء دولت در هر گونه امور مسئول مجلسین هستند

اصل چهل و پنجم - کلیه قوانین و دستخطهای پادشاه در امور مملکتی وقتی اجرا میشود که نامضای وزیر مسئول رسیده باشد و مسئول صحت مدلول آن فرمان و دستخط همان وزیر است

اصل چهل و ششم - عزل و نصب وزراء بموجب فرمان مهابون پادشاه است

اصل چهل و هفتم - اعطای درجات نظامی و نشان و امتیازات افتخاری با مراعات قانون مختص شخص پادشاه است

اصل چهل و هشتم - انتخاب مأمورین ریاست دوائر دواقی از داخله و خارجه یا تصویب وزیر مسئول از حقوق پادشاه است، مگر در مواقعی که قانون استثنا نموده باشد، ولی تعیین سایر مأمورین راجع بیادشاه نیست مگر در مواردیکه قانون تصریح میکند

اصل چهل و نهم - صدور فرامین و احکام برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه است بدون اینکه هرگز اجرای آن قوانین را تعویق یا توقیف نماید

اصل چهارم - فرمانفرمانی کل کشور بری و بحری یا شخص پادشاه است

اصل پنجاه و یکم - اعلان جنگ و عقد صلح با پادشاه است

اصل پنجاه و دوم - عهد نامه هاییکه مطابق با اصل ۷۴ قانون اساسی مورخه چهاردهم ذی القعدة ۱۳۲۴ استتار آنها لازم باشد بعد از رفع غمطور

همینکه منافع و امنیت مملکتی اقتضا نمود با توضیحات لازمه باید از طرف پادشاه مجلس شورای ملی و سنا اظهار شود

اصل پنجاه و سیم - فصول مخفیة هیچ عهد نامه مبطل فصول آشکار آن عهد نامه نخواهد بود

اصل پنجاه و چهارم - پادشاه میتواند مجلس شورای ملی و مجلس سنا را بطور فوق العاده امری باامداد فرماید

اصل پنجاه و پنجم - ضرب سکه با موافقت قانون سنا پادشاه است

اصل پنجاه و ششم - عمارت و مصارف دستگاه مملکتی باید قانوناً معین باشد

اصل پنجاه و هفتم - اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت حاضره تصریح شده

راجع بوزراء

اصل پنجاه و هشتم - هیچکس نمیتواند بمقام وزارت برسد مگر آنکه مسلمان و ایرانی الاصل و نیجه ایران باشد اصل پنجاه و نهم - شاهزادگان طبقه اولی یعنی پسر و رادر و هموی پادشاه عصر میتوانند بوزارت مذهب شوند

اصل شصت - وزراء مسئول مجلسین هستند، و در هر موارد که از طرف یکی از مجلسین احضار شود باید حاضر گردند و نسبت ناموریکه محول آنهاست، حدود مسئولیت خود را منظور دارند

اصل شصت و یکم - وزراء علاوه بر اینکه تمامی مسئول مشاغل مختصه وزارت خود هستند بیست اتفاق نیز در کلمات امور در مقابل مجلسین مسئول و صام اعمال یکدیگرند

اصل شصت و دوم - عده وزراء را بر حسب اقتضا قانون معین خواهد کرد

اصل شصت و سیم - لقب وزارت افتخاری نکلی معروف است

اصل شصت و چهارم - ورا نمیتواند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسک قرار داده سلب مسئولیت از خودشان بجاورد

اصل شصت و پنجم - مجلس شورای ملی یا سنا

می تواند وزراء را در تحت مؤاخذنه و محاکمه در آورند
 اصل شصت و ششم - مسئولیت وزراء و سیاست
 را که راجع آنها میشود قانون معین خواهد نمود
 اصل شصت و هفتم - در صورتیکه مجلس شورای
 ملی یا مجلس سنا با کثرت نامه عدم رضایت خود را
 از هیئت وزراء یا وزیر اظهار نماید آن هیئت یا
 آن وزیر از مقام وزارت مائزل میشود
 اصل شصت و هشتم - وزراء موظفان نمیتوانند
 خدمت دیگر غیر از شغل خودشان در عهده گیرند
 اصل شصت و نهم - مجلس شورای ملی یا مجلس
 سنا تقصیر وزراء را در محضر دیوانخانه قبیضه ضوابط
 خواهند نمود و دیوان خانه مزبوره با حضور تمام
 اعضاء مجلس محاکمات دائره خود محاکمه خواهد کرد مگر
 وقتیکه بموجب قانون اتهام و اقامه دعوی از دائره
 ادارات دولتی مرجوعه بشخص وزیر خارج و راجع
 بخود وزیر باشد

(تئیه)

مادامیکه محکمه نیز تشکیل نیافته است هیئت منتخب
 از اعضاء مجلسین بعد از مساوی نائب مناب محکمه نیز
 خواهد شد

اصل هفتادم - تعیین تقصیر و مجازات وارده بر
 وزراء در موقعیکه مورد اتهام مجلس شورای ملی یا
 مجلس سنا شوند و یا در امور اداره خود دو چار
 اتهامات شخصی مدعیان گردند منوط بقانون مخصوص
 خواهد بود

اقتدارات محاکمات

اصل هفتاد و یکم - دیوان عدالت عظمی و محاکمه
 عدلیه مرجع رسمی نظایات عمومی هستند و قضاوت
 در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع الشرایط است
 اصل هفتاد و دوم - منازعات راجحه بحقوق
 سیاسیه مربوط محاکم عدلیه است مگر در مواقیکه
 قانون استثنا باشد

اصل هفتاد و سیم - تعیین محاکم عرفیه منوط
 بحکم قانون است و کسی نمیتواند هیچ اسم و رسم
 محکمه برخلاف مقررات قانون تشکیل یابد

اصل هفتاد و چهارم - هیچ محکمه ممکن نیست
 ملغی گردد مگر بحکم قانون

اصل هفتاد و پنجم - در تمام محاکمت فقط يك
 دیوانخانه قبیضه برای امور عرفیه دایر خواهد بود و آهم
 در شهر پای تخت و این دیوان خانه قبیضه در هیچ محاکمه
 ابتداء رسیدگی نمیکند مگر در محاکماتیکه راجع بوزرا
 باشد

اصل هفتاد و ششم - اقتدار کلیه محاکمات عالی
 است مگر آنکه عالی بودن آن محل نظم یا منافی عصمت
 باشد ، در این صورت لزوم الحفا را حکمه اعلام مینماید
 اصل هفتاد و هفتم - در ماده تقصیرات سیاسیه
 و مطبوعات جناحی محرمانه بودن محاکمه صلاح باشد بابد
 باتفاق هیج اعضاء محکمه بشود

اصل هفتاد و هشتم - احکام صادره از محاکم
 باید مدلل و موجه و محتوی فصول قانونیه که بر طبق
 آنها حکم صادر شده است بوده و علناً قرائت شود
 اصل هفتاد و نهم - در مواد تقصیرات سیاسیه و
 مطبوعات هیئت متصفین در محاکم حاضر خواهند بود
 اصل هشتادم - رؤسا و اعضاء محاکم عدلیه بر تئیه
 که قانون عدلیه معین میکنند مانتخب و بموجب فرمان
 هیونی منصوب میشوند

اصل هشتاد و یکم - هیچ حاکم محکمه عدلیه را
 می توان از شغل خود موقتا یا دائماً بدون محاکمه و
 ثبوت تقصیر تغییر داد ، مگر اینکه خودش استعفا نماید
 اصل هشتاد و دوم - تبدیل ماموریت حاکم محکمه
 عدلیه نمیشود مگر رضای خود او

اصل هشتاد و سیم - تعیین شخص مدعی عموم با
 تصویب حاکم شرع در عهده پادشاه است

اصل هشتاد و چهارم - مقرری اعضاء محاکم
 عدلیه بموجب قانون معین خواهد شد

اصل هشتاد و پنجم - رؤسای محاکم عدلیه نمیتوانند
 قبول خدمات موظفانه دولتی را نمایند مگر اینکه آن
 خدمت را بجای بر عهده گیرند و مخالف قانون هم نباشند
 اصل هشتاد و ششم - در هر کرسی ایالتی يك
 محکمه استیناف براساس امور عدلیه مقرر خواهد شد
 بر تئیه که در قوانین عدلیه مصرح است

اصل هشتاد و هفتم - محاکم نظامی موافق قوانین
 مخصوصه در تمام مملکت تاسیس خواهد شد

اصل هشتاد و هشتم - حکمیت منازعه در حدود

ادارات و مشاغل دولتی بموجب مقررات قانون محکمه
نمیزد راجع است

اصل هشتم و نهم - دیوان خاتم عدلیه و محکمه
وقتی احکام و نظامنامه‌های عمومی و ایالتی و ولایتی و
بلدی را مجری خواهند داشت که آنها مطابق با قانون
باشند

در خصوص انجمنهای ایالتی و ولایتی

اصل نهم - در تمام ممالک محروسه انجمنهای ایالتی
و ولایتی بموجب نظامنامه مخصوص مرتب میشود
و قوانین اساسیه آن انجمنها از این قرار است

اصل نود و یکم - اعضاء انجمن های ایالتی و
ولایتی بلاواسطه از طرف اهالی انتخاب میشوند مطابق
نظامنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی

اصل نود و دوم - انجمنهای ایالتی و ولایتی اختیار
نظارت تامه در اصلاحات راجعه بمنافع عامه دارند با
رعایت حدود قوانین مقرر

اصل نود و سیم - صورت خرج و دخل ایالات
و ولایات از هر قبیل بتوسط انجمنهای ایالتی و ولایتی
طبع و نشر میشود

در خصوص مالیه

اصل نود و چهارم - هیچ قسم طالبات برقرار
نمیشود مگر به حکم قانون

اصل نود و پنجم - موارد که از دادن طالبات
معاف تواند شد قانون متعین خواهد نمود

اصل نود و ششم - میزان مالیات را همه ساله
مجلس شورای ملی با اکثریت تصویب و معین خواهد نمود

اصل نود و هفتم - در مواد مالیاتی هیچ تفاوت
و امتیازی فیابین افراد ملت گذارده نخواهد شد
اصل نود و هشتم - تخفیف و معافیت ز مالیات
منوط قانون مخصوص است

اصل نود و نهم - غیر از مواضعیکه قانون سراحه
مستثنی میدارد هیچ عنوانی از اهالی چیزی مطالبه
نمیشود مگر باسم مالیات مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلدی

اصل صد - هیچ مرسوم و انعامی بمنزله دولت
حواله نمیشود مگر بموجب قانون

اصل صد و یکم - اعضاء دیوان محاسبات را
مجلس شورای ملی برای مدتیکه بموجب قانون مقرر

میشود تعیین خواهد نمود

اصل صد و دوم - دیوان محاسبات مأمور
معاينه و تفکیک محاسبات اداره مالیه و تخریج حساب
کلیه محاسین خزانه است و مخصوصاً مواظب است که
هیچ يك از فقرات مخارج معینه در بودجه از میزان
مقرر تجاوز نموده تغییر و تبدیل نپذیرد و هر وجهی
در محل خود مصرف برسد، و همچنین معاينه و
تفکیک محاسبه مختلفه کلیه ادارات دولتی را نموده اوراق
سند خرج محاسبات را جمع آوریه خواهد کرد، و
صورت کلیه محاسبات مملکتی را باید باضمام ملاحظاتی
خود تسامم مجلس شورای ملی نماید
اصل صد و سیم - ترتیب و تنظیم اداره این دیوان
بموجب قانون است

قتون

اصل صد و چهارم - ترتیب گرفتن قتون را
قانون معین میباشد، تکالیف و حقوق اهل نظام
ترقی در مناصب بموجب قانون است

اصل صد و پنجم - مخارج نظامی هر ساله از طرف
مجلس شورای ملی تصویب میشود

اصل صد و ششم - هیچ قتون نظامی خارج
بخدمت دولت قبول نمیشود و در نقطه ارض مملکت
نمیتواند اقامت و یا عبور کند مگر بموجب قانون

اصل صد و هفتم - حقوق و مناصب و شئون
اهل نظام سلب نمیشود مگر بموجب قانون

سواد دستخط مبارک هابون

(بسمه تبارک و تعالی)

متمم نظامنامه اساسی ملاحظه شد تا ما صحیح
است و شخص همیون ما اشاء الله حافظ و ناظر کلیه
آن خواهیم بود، اعقاب و اولاد ما هم اشاء الله مقوی
این اصول و اساس مقدس خواهند بود

(۲۹ شعبان قوی نیل ۱۳۲۵)

(در قصر سلطانی طهران)

واقعات بالکان

در لندن فعلاً تذکره مسائل پلیسی عمومی است.
پادشاه انگلستان امروز صبح شرکت در تناول طعام
با (سر آرثر هاردینگ) و (سر ادورد گری)
فرموده تا دهم باز گفتگویی نمودند

§ (مسیو اسوالسکی) وزیر خارجه روس باشمزهاده ولیمهد انگلستان امروز شرکت در تناول عصرانه نموده و امشب با پادشاه انگلستان شرکت در طعام خواهد نمود

§ در کشتی موشک انگلیس که سمت جزایر (وست اندیز) رهسپار بود در (ویکو) جلوگیری حکم و رفقن (مالتا) داده شد

§ (پرس فرزند) دیروز در (سوفیا) احوال احتشام وارد و با پذیرائی شایان استقبال نمودند

§ در بودجه دولت روس ۹۵ میلیون لیرا کمی ظاهر می شود - تدارک (۵۰) میلیون لیرا قرض از انگلستان خواهد شد - تا (۲۲) میلیون لیرا در ادای قرضهای متفرقه مصرف آید - این وجه بفاصله دو یا سه هفته از لندن گرفته خواهد شد

§ دو جهاز جنگی (آستریا) را در (بیروت) از دخول بساحل جلوگیری نموده اند

§ اخبارات (سوفیا) منکر این خبرند که (بلغاریا) به باجالی حط اتهام حجت نوشته و از این رو اختلاف ترقی یانه و (بلغاریا) آماده حرب است

§ میثت اتحادیه جوانان ترک در (مقدونیا) را خیال اینست که (بلغاریا) را اراده اینست که (مقدونیا) را قبضه نماید پیش از آنکه دولت عثمانی آماده دفع شود فباین (سرویا) و (مونی نگر) مخابره جاری است

§ مجلس شورای (کریت) یک کمی انتظامیه حجه انتظام حکومت مقرر کرده ، که با-م پادشاه یونان احکام صادر کند تا انتظام کریت بر حسب قوانین یونان بشود

§ یک فروند جهاز آستریا حامل بسته دیروز در (جانه) وارد ، همایجات دست از کار کشیده ، سپس بر بستنحاه (آستریا) حمله کرده کالسکه بسته و صندوق خطوط را شکستند

§ وزیر بحری روس حجه ملاحظه دسته جهازات جنگی (سیاستیل) مازم گردید

§ روراجات آلمان با کمال اسرمدی درباره پروگرام تفراس دول بحث میکنند و می نویسند حساره را که به آستریا و ترکی باید خواهد شد - البته بلغار و آستریا

قبل از آنکه راه آهن (اورینتل) را قبضه نمایند لازم بود از باجالی اجازه حاصل میکردند

§ موجب خبریکه از (وینه) رسیده جرائد (آستریا) شاکي اند از اینکه تا ولف به (سرویا) دادن یعنی چه - (آستریا) در کافراس دول شرکت نخواهد کرد تا وقتیکه تحریک حساره به (سرویا) بر قرار باشد - افسران دولت عثمانی کافراس بین الدول را می پسندند چه زطای دراز خواهد گذشت تا این کافراس منقد شود

§ قشون (اتولی) را حکم شده بود که صبح شنبه فراهم شود ولی عصر هازروز بر این حکم مخالفت رفت چه (آستریا) باجالی را اطمینان داده که جنگ نخواهد شد

§ پادشاه (یونان) با (پرس بولو و هروواسکون) روز شنبه ملاقات کرده و شب گذشت وارد پاریس گردید § تلگرافی از (ملگرید) رسیده که دیروز عصر جماعتی از اشرار اغلب درهای دکامای اهالی (آستریا) را شکست و پلیس محافظ هیچوجه مانع نشده

§ در مقام (اگرام) افسران آستریا ، جنرال (ووکو بیچ) را که برسم ایلیگری شاهزاده (مونی نگر) بسمت سرویا میرفت نگاهدانته تا دربراز تحقیقات نموده - جنرال مذکور بعد از آنکه تذکره را تقدیم نمود و شرف خود را ظاهری داشت و (پرن وون ایرشمال) حکم برهائی وی داد بازهم او را در پلیس برده اسباب و لوازمات مسافرتش را معاینه نمودند و کیسه پولش را ضبط کردند

§ ماینده که از طرف جماعه اتحادیه جوانان ترک از بعد انجام امور خود مراجعت نمود از (سوفیا) ۲ نفر نمایندگان حکومت (بلغاریا) وارد اسلامبول شدند و باریش الوزرا و وزیر خارجه ملاقات کرده برضول مصالحه مباحثه می نمایند - فلا باجالی از مخالفت انعقاد کافراس بین الدول دست کشیده و عقیده اش این است که بدون شورای مذکور افعال مناقشات نخواهد شد باجالی دعوی خود را نزد دول پیش خواهد کرد

§ (امپراطور آلمان) در مجلس افتاحی شورای ملی پروتیا اظهار داشتند که اگرچه واقعات بالکان خیلی دلچسب است ولی نزد دولت آلمان به نسبت سایر دول

ایقدرها اهمیت ندارد، ولی مازم خطر دقت بر آن باید نگریست - دولت آلمان با متحدین خود وقادارانه کار میکند - و با امنیت و مسالمت تصفیه جمیع امور را خواستگار است

§ (سر ادوردگری) در مجلس شورای ملی اظهار داشت که مسئله (داردنلز) خارج از پروگرام بحث کابرنس بین الدول است

§ ناپسندگان حکومت (بلغار) بطرف (صوفیا) مراجعت نموده - در خصوص حراج (رومیلی) تصفیه شده - اتصال مسئله راه آهن مذریعه هیئت کبسیوی مرک از کسیرهای عثمانی و بلغار مواعد شد

§ مخبرات بن دولین (آستریا) و عثمانی موقوف شده ، عمیده دولت عثمانی اینست که الحاق (بوسینیا) و (هرزگوینا) را دول در کابرنس منظور خواهند کرد ، اما دولت (آستریا) میگوید باید فیصله این امر بین (آستریا) و عثمانی به شود

§ (مسیو نوبو کوویس) وزیر (سرویا) بعنوان ابایی گیری در اسلامبول میرود تا از باسالی خواهش کند که سرحد (سرویا) را تا دربای (درین) تمدد سازد تا که با حدود (ماتی نگر) متصل (سرویا) گردد

§ روزنامجات (ویانه) با الفاظ مغالطه برخلاف دولت انگلیس لوائح می نویسند اخبار (ویترزینگ) می نویسد که دولت (بریطانیا) با باسالی وعده نموده که اگر او با (آستریا) مخبرات را موقوف نموده راضی به تصفیه کابرنس شود دولت (بریطانیا) بجاه مایون لیرا قرض خواهد داد و از جهازات جنگی هم او را معاونت خواهد کرد

§ بابالی از دولت (آلمان) خواهش نموده که (آستریا) را در شرکت کابرنس بین الدول راضی نماید § دولت (آستریا) مجدد میخواهد با دولت عثمانی آغاز به مخابره نماید ، رئیس الوزرای دولت عثمانی اعلام نموده که خواهش و دعوی (آستریا) کلبتاً خلاف برلتیک دولت عثمانی است

§ ولیمهد (سرویا) در (پترزبرگ) خواهد رفت تا خط (کینگ پتر) قرال (سرویا) را به امپراطور روس برساند

§ حالت (مالکان) ناحله مذذب و خوف ناک است امید قوی محشورت دادن دولت آلمان طوات (آستریا) میباشد ، مظنون است که دولت (آلمان) انعقاد کابرنس راضی است و لوطال رضایت (آستریا) نیز میباشد

§ در (برلن) رسماً اعلان شده که دولت آلمان اگرچه مقصودش برخلاف کابرنس بین الدول نیست ولی راضی نمیتواند شد که بر مسائل معینه مباحثه شود حاسه بر مسائلی که دولت (آستریا) معترض باشد ، و لازم است بر مسائل معینه مخبرات ترك شود

§ اعلان رسمی اداره خارجه انگلیس انکار مینماید این امر که ترك مخبراتی که بین دولین (آستریا) و عثمانی شده حسب صلاح دید دولت انگلیس شده ، بلکه رأی دولت اینست که فیصله باهمی از همه اولی و السب است ، ولی دولت عثمانی اعراض خود را بهتر میداند

§ در محکمه انتظامیه اسلامبول دوقر ترکی را حکم باعدام دادند چه این ها برخلاف سلطنت مشروطه طامه را ترغیب به شقاوت می نمودند و اهالی از قتل آنها علامت مسرت ظاهر نموده و صداها به (سلطای دراز آزادی برقرار باد) بلند نمودند

§ وزیر خارجه (سرویا) (مسیو میلو دان بیچ) وارد لندن شد

§ (مسیوا-والسکی) در (پترزبرگ) مراجعت نمود § وقایع نگار (طمس) از (صوفیا) خبر میدهد که درل انگلیس ، فرانسه و روس ، به حکومت (بلغار) مکتوبی متحد المضمون نوشته و اشاره به خط (پرس درینند) نموده که به دولت فرانسه نوشته بود که از اعلان آزادی برات از حصاره دادن بدولت عثمانی ممکن نیست دول مزوره صلاح به حکومت (بلغار) داده که مجدلاً ابایی از خود در اسلامبول فرستاده تصفیه مسئله حصاره را به یابد ، دولین آلمان و ایتالیا نیز متفق لرای در این خط هستند

§ حکومت (بلغار) جواب خطوط دولت انگلیس فرانسه و روس را بمضمون واحد داده و هدایات آنها را منظور نموده که من جمله مسئله پراگنتکی (۷۵۰۰۰) نشون هم شامل است